

بحران پاکستان

تاریخ مبارزات خلقهای تحت تسلیم، این واقعتاً رابضه ظهور ساندۀ است که علیرغم فاشیستی ترین دیکتاتوربهاکه در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم امسال میشود و علیرغم تلاشهای مذبحمانه رژیمهای مرتجع و وابسته در سرکوب توده ها، در آن هنگام که تضاد های طبقاتی بحرحله تعارض رسد و بحران انقلابی برجامعه حاکم گردد، هیچ عاملی قادر به مقابله با موج عظیم انقلابات نخواهد بود. هرچند که اعمال دیکتاتوری تاثیراتی بر روند عمومی مبارزات توده ها دارد اما نقش تعیین کننده ای نخواهد بود و بهمان میزان نیز موجب میشود که در اینگونه کشورها مبارزات توده ای از همان آغاز بروز آشکار خود، سرعت اشکالی انفجار گونه بخورد گرفته و قهر انقلابی توده ها را متجلی میسازد. در چنین شرایطی شدت یافتن سرکوب نغتنها موجب توقف اعتراضات نگشته بلکه بالعکس به خودتبدیل شده و هر سرکوب و کشتاره توده های بیشتری رابه صحنه بقیه در صفحه ۲



جاودان یاد خاطره پیشکوه

مقاومت قهرمانانه توده ها در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷

در آستانه سال تحصیلی جدیدی قرار داریم. بار دیگر درس این مراکز پرورش و خروش در تمامی نقاط شهرها و در روستاها کشور میشود. بار دیگر دانش آموزان گرد هم می آیند. تجمعی مجدد، رابطه های تنگاتنگ و همبستگی بینشیر برای مبارزه ای دیگر بار بار رژیم. زنگ مبارزه بار دیگر نواخته میشود.

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که ایفای نقش فعال دانش آموزان انقلابی و معلمین مبارز را در جریان سیر تکوینی رژیم گذشته و بقیه در صفحه ۲

پیام و رهنمود
سازمان چریکهای فدائی خلق
به دانش آموزان و معلمان مبارز
"زنگ"

مبارزه

در این شماره

● جنبش کارگری
در صفحه ۳

● جنبش انقلابی خلق کد
در صفحه ۱۴

● جاودان یاد خاطره
فدائیان شهید
جواد کاشی و انور اعظمی
در صفحه ۱۴

ملاحظات درباره

① کمیته های مخفی اعتصاب

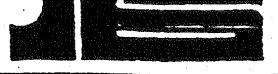
رساندن انقلاب، امری است که از طرف هیچ نیروی سیاسی انقلابی و کارگرمبارزی - مورد چون و چرا تردید قرار نمیگیرد. حتی میتوان گفت که بقیه در صفحه ۲

ضرورت تشکیلات، برای تداوم مبارزات جاری، برای پیشروی بسوی برپائی لنتخاب عمومی سیاسی و قیام صلحانه و برای حراست از دستاوردهای قیام و کلا برای برانجام

هشدار به هواداران

تشریک) و آنهم به هواداری از شورای ملی مقاومت منتشر شده است. بدینوسیله اعلام میداریم که این قبیل انتشارات به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تعلق نداشته و برخلاف خط مشی و مواضع سازمان است و اینگونه اقدامات شدیداً از طرف ماحکوم است.

اطلاع یافته ایم که اخیراً در خارج از کشور از سوی افراد غیر مسئولی که برنسیبهای انقلابی و کمونیستی راز برپاکنده اند، نشریاتی بانام و آرم سازمان (چون کار



بحران ...

بقیه از صفحه ۱

بازره آشکار سوق میدهد. این واقعیت در جریان قیام ۲۲ بهمن در ایران نیز نمود ارگشت و اینک رژیم پاکستان را علی‌رغم میلنا ریم عربان خود به بن بست کشانده است. هر چند رژیم نظامی پاکستان تلاش میکرد در سایه دیکتاتوری نظامی به حفظ وضعیت موجود موفق گردد اما شدت تخرابها سی طبقاتی و نارضایتی عمومی سرانجام برتری قدرت توده ای را در مقابل وحشیانه ترین دیکتاتور پهلوانان داد و این همان واقعیتی است که امروزه بسیاری چنانکار امریکایی لاتین را هم به وحشت افکند است.

بحران انقلابی موجود در پاکستان انعکاس منطقی بحران جهانی امپریالیسم و سرشکن کردن آن در کشورهای تحت سلطه ای نظیر پاکستان میباشد که اثرات بلاواسطه آن گسترش فقر و فلاکت، تورم، بیکاری، افزایش سرمایه آفرینشها و شدت یافتن استثمار خلق پاکستان است که خود عوامل عمیق رشد نارضایتی های عمومی میباشد و در این میان کجکهای بددیخ اقتصادی و نظامی رژیم دیکتاتوری پاکستان به مرتجعین افغانی و صرف هزینه های گزاف در تقویت جریانان ارتجاعی منطقه بر شدت بحران - حاکم افزوده است. در چنین شرایطی توده های وسیع مبارزه انقلابی روی آورده اند.

اشکال مبارزات توده ها در پاکستان که بصورتی انفجار گونه وسرعت رشد یافته به پیش می رود هر چند از ایالت سند که سابقه تاریخی مبارزاتی دارد آغاز شد اما همچنانکه شاهدانهم محدود به ایالت سند نشده و دیگر ایالات از جمله پنجاب که پرجمعیتترین ایالت پاکستان است و دیگر شهرهای پاکستان را دربر گرفته است. تضاد های طبقاتی که طی سالها دیکتاتوری نظامی بیشترین رشد کمی خود را طی نمیکرد به نقطه ستهز رسیده و اشکال مبارزات توده ای از تظاهرات خیابانی بر علیه دیکتاتوری حاکم فراتر رفته و با هر حرکت سرکوبگرانه رژیم سرعت به تاختیکهای قهرآمیز شد یافته است حمله به ساختمانهای دولتی از جمله شهر داری، راه آهن، بانکها و حتی حمله به منازل سرمایه داران مدافع رژیم، ضمن شخصی را منعکس می سازد و آن نفی سیستم موجود در نطفه های ترین شکل آن میباشد. حمله به چند زندان در ایالت سند و آزاد کردن زندانیان سیاسی و صادره سلاح - های موجود در زندان در حالیکه دفاع عملی از زندانیان سیاسی را نشان میدهد در همین حال و همراه با آن صادره سلاح -

آن مقطع بانام حکومت اسلامی پاکستان رهبری ضیا الحق بقدرت رسید (و پیکال پس از آن نیز بر اساس همین استراتژی و بر اساس اوجگیری جنبش توده ای و اینکه در آن مقطع مناسبترین الترناتیو که میتوانست ضایف کوتاه مدت امپریالیزم را تا من کند خمینی این رسالت را یافت تا هم سرکوب خلق وهم استثمار خلق را در پیشش حاکمیت دیکتاتوری ولایت فقیه مشروعیت الهی بخشد) تلاش این رژیم در جهت برآورد کردن قوانین اسلامی مورد توجه قرار گرفت اما چگونگی انطباق قوانین اسلامی با سیستم سرمایه داری وابسته پاکستان آنرا با مشکلاتی مواجه ساخت اما از چند ماه پیش که زمینه های بروز حرکات اعتراضی و مبارزات آشکار توده ها هایتدريج ظهور گرفت رژیم نظامی پاکستان مسئله اسلامی کردن تمام و کمال رژیم را راهدی ترمیم توجه قرار داد تا شاید با پوشاندن رژیم دیکتاتوری در پوشش اسلام، همچون رژیم ایران مشروعیتی الهی بر جنا یا نش بیاورد. استوار دیکتاتوری نظامی پاکستان در پوشش یک حکومت اسلامی بایک زمینه سازی قلبی از چندین پیش آغاز شد بدینصورت که روحانیون وابسته به رژیم بایک برنامه از پیش تعیین شده توسط خود رژیم خواستار باصطلاح اجرای قوانین اسلام در پاکستان شدند و ضیا الحق نیز بلا فاصله پذیرای آن شد.

اولین موج اعتراضات از سوی حقوق دانان پاکستان آغاز گردید که بلافاصله سرکوب شد. اما از حدود یکماه پیش که مبارزات و اعتراضات توده ای با چنین ابعاد درخشانی آغاز گشته است بحرثت میتوان گفت که سیاست فوق قادر به فریب توده ها نبوده است و امپریالیزم امریکا رژیم تحت سلطه پاکستان در اعمال این تاکتیک با شکست مفتضحانه ای مواجه شده است. چرا که اگر چنانچه کاران تاریخ در یکارگیری شیوه های سرکوبگرانه از هم بیجانان خویش باری میجویند و تجارب ضد انقلابی خویش را بیکدیگر منتقل میکنند و توده های مردم نیز تجارب توده های تحت ستم را مورد توجه قرار میدهند و در این مورد مشخص توده های زحمتکش پاکستان تجربه تلخ مردم ایران را در پیش روی به آرند.

اگر خمینی در یک شرایط ویژه که مبارزات توده ها بر علیه رژیم شاه روندی اوج یافته داشت و در نبودیک الترناتیو انقلابی قوی بهره مناسی بر تحقق سیاست کمیند سبز امپریالیزم بکار آمد و فریکارانده و در پوشش مذ هب کلیه جنایات، سرکوبها، کشتارها و تشدید ستم و استثمار بر علیه توده ها را امر مشروعیت الهی بخشید و دیکتاتوری ولایت فقیه را سرپوشی برد دیکتاتوری نظامی و عربیان خویش بقیه در صفحه ۷

های فوق مسئله درک ضرورت اعمال قهر انقلابی از سوی توده ها را در مقابل با قهر ضد انقلابی رژیم نظامی پاکستان بیان میکند. و بالاخره ایجاد راه بندان در بزرگراه کراچی - هالا در شمال ایالت سند توده های مقابل توده ها با یاسو حاکم در پاکستان است که با این تاکتیک اخبار مبارزات مردم ایالت سند به دیگر نقاط پاکستان اشعه می پاشد (نظیر حرکت افسریه) در این میان علاوه بر افتخار مختلف خرد و بزرگوازی و روشنفکران انقلابی، طبقه کارگر نیز وسیعاً به تظاهرات و حرکات اعتراضی و اعتراضی پیوسته است. اعتراضات کارگری از ایالت سند فراتر رفته و در ایالت پنجاب نیز آغاز گشته است و مبارزین از مردم پیشاور و بلوچستان نیز دعوت به پیوستن به اعتراضات نمودند.

مقابله وحشیانه رژیم مزدور پاکستان که رسالتی جز حفظ و حراست از ضایف انحصارات امپریالیستی ندارد، با مردم زحمتکش تحت ستم، تاکنون در هب گذشته حدود ۱۷ هزار دستگیری به همراه داشته است. در این سرکوب علاوه بر نظامیان، حزب "حرکت حمایت از ضیا" که اخیراً درخواست ضیا الحق بنام "حرکت اتحاد پاکستان" تغییر نام داده است نقش بسیاری در حمله به تظاهرات و سرکوب مردم برعهده داشته است. این حزب همچون "حزب الله" در ایران، ساخته دست رژیم ضد خلقی حاکم است و علاوه بر رژیم پاکستان سعی کرده است تا حرکات انقلابی مردم را بر و ال تمامی دیکتاتورهای جهان به توطئه دیکتاتورها منتسب سازد و در این میان رژیم افغانستان و هند عامل این حرکات معرفی شده اند. اما واقعیت اینست که بحران موجود در پاکستان پدیده ای خلق السافه نیست، از همان ابتدای استقرار دیکتاتوری نظامی ضیا الحق و عبارت دیگر فلسفه تغییر حکومت در پاکستان و برقراری دیکتاتوری نظامی در ۶ سال پیش خود عاظمی سر سرپوش نهادن بر بحران موجود و خطر سر اوجگیری جنبش انقلابی بود.

در آن سالها که همزمان با آغاز مبارزات انقلابی مردم ایران بود بر اساس استراتژی امپریالیزم در منطقه خاور میانه و بالاخص خلیج فارس مسئله با تحریف کشانیدن مبارزات مردم بر زمینه تعلقات مذهبی و از طریق ایجاد حکومتهای مذهبی که استثمار خلق را در لاف مذ هب مشروعیت میخشد و با اصطلاح ایجاد "کمیند سبز" مطرح بود. چنین حکومتهایی بمثابة دیوار مطمئنی در مقابل با جنبش کمونیستی در این کشورها و همچنین مانع از تاثیر پذیری از کشورهای سوسیالیستی بویژه اتحاد شوروی محسوب میشد و ضمن سرکوب جنبشهای کمونیستی منافع امپریالیزم در منطقه را کاملاً تضمین میکرد. از همین رو رژیم نظامی پاکستان در

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

جنبش گاوگتری



اخراج حقوق روزانه اش ۱۸۰۰ ریال بوده پس از استخدام مجدد حقوقش به ۱۳۰۰ ریال که حد اکثریایه حقوقی استخدامی های جدید است تقلیل می یابد و به این ترتیب در هر ماه ۱۵۰۰۰ ریال از هر کارگر اخراجی دزدی میشود و اگر در دو ماه تیر و مرداد ۱۰۰ نفر کارگر را اخراج و مجدداً استخدام کرده باشند در هر ماه ۱۵۰۰۰۰۰ ریال از جیب کارگران دزدیده شده و به جیب کارفرما دیکر - سرسپردگان رژیم می رود تازه این فقط یک رقم از دزدی های سرمایه داران وابسته شرکت از دسترنج کارگران است . از تیر ماه ۶۲ قسطنطنیه از دسترنج کارگران که با عنوان پاداش پرداخت میشود هم قطع گردیده که اگر هر کارگر بطور متوسط در ماه ۱۵۰۰ ریال پاداش پرداخت میکند و تعداد کارگران که حدوداً به ۵۰۰ نفر میرسد صحتی در حدود ۲۲۵۰۰۰۰ - ریال در ماه از کارگران دزدی میشود

در تیر و مرداد ماه تعداد بسیاری از کارگران واحد های مختلف طرح گسترش را با عناوین مختلف از جمله اینکه کار پروژه رو به اتمام است ، و یا تسایل و ابزار کارند آری و همین علت بکارگزارانی نیازی نیست ، اخراج میکنند . بطور مثال در واحد نیروگاه که حدوداً ۵۰ نفر کارگر فنی غیر فنی بجز کارگران نقاش کار میکردند هم اکنون تعداد کارگران به ۱۰ نفر رسیده است . چند نفر از کارگران جوشکار اخراجی هنگام تسویه حساب در امور حسابداری با مسول کارگزینی درگیری لفظی پیدا میکنند صبی برای اینکه طبق قرارداد با شرکت شینوا باید ۴۵ روز بابت اخراج پرداخت شود نه ۳۰ روز . و به این ترتیب به تسویه حساب راضی نشده و هکی بعنوان اعتراض به اداره کار رجوع میکنند در اداره کار به آنها میگویند که قانون کار جدید ۴۵ روز راجه ۳۰ روز تقلیل داده و از دست ماکاری ساخته نیست . کارگران - پس از بازگشت از اداره کار میگفتند " ایمن دزدکیها به اداره کار جز تلف کردن وقت چیزی برتری نیست دولت برای کره ای هاو به نفع کارفرما و بر علیه کارگران قانون میراند

سیاستهای استثمارگرانه رژیم ضد خلقی خصیصی کلبانی شینوا وابسته به امپریالیسم امریکایی - رولاند کالا بالا گرفته است در این شرکت به علل واهی اقدام به اخراج کارگران کرده و سپس دوباره آنها را همراه با کارگران جدید به استخدام میکنند . به این علت که هنگام اخراج کارگر حقوق بالائی دارد و هنگام استخدام مجدد با حقوق بسیار کمتر از قبل استخدام میشود . حال اگر کارگری قبل از

مجمع طرح گسترش پتروشیمی :

در پی سخنرانی خمینی مبنی بر درخواست لغزام نیرو به جبهه ها و همچنین کنگهای پشت جبهه از قبیل جمع آوری کمک های نقدی و غیر نقدی ، مزدوران انجمن اسلامی از تاریخ ۲۱/۵/۶۲ الی ۲۳/۵/۶۲ اقدام به جمع آوری کمک به جبهه ها (معادل دستتزد یکروزه) نمودند . چون روز اول بلعدم استقبال کارگران مواجهه شدند روز دوم وسوم به افراد کار در حراست دستن داده شدند هنگام اتمام کار و خروج کارگران از درب شرکت سلامت باز شدن در بهارابه الی ۲ دقیقه بتعمیق اندازند تا بدینوسیله بتوانند مدت توقف کارگران را جلی در خروجی طولانی تر کرد و بقول معروف از آب گل آلود ماهی بگیرند . یکی از مزدوران انجمن اسلامی بنام کارگزار که سوپروایز کارگران ابزار دقیق واحد نیروگاه میباشد در کنار یکسر مزدوران انجمن اسلامی پشت میز نشسته و هر کدام از کارگران واحدش را که می رسد صد کرده و خطاب به مزدور دیکر انجمن اسلامی میگفت " یکروز حقوقش را بتو میس" و به این ترتیب برخی از کارگران علی رغم تمایل خود مجبور به پرداخت یکروز حقوق شدند . ولی با وجود توسل به این شیوه های مزورانه فقط عده قلیلی به پرداخت یکروز حقوق تن دادند و در مورد لغزام به جبهه ها حتی یک نفر هم را اطلب نشد . و به این ترتیب بار دیگر کارگران مخالفت خود را با رژیم و جنگ خانمانسوز نشان دادند .

جنبش، یعنی برپائی اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه قرار میگردد، این شکل از سازماندهی در عین حال باید بگونه ای باشد که بتواند مبارزات جاری پروتاریا را که در شرایط معمول از طریق تشکلهائی نظیر اتحادیه و سندیکا انجام می یابد، جوابگو بوده و همزمان شرایط مناسبی را به منظور پیوند پیشاهنگ با طبقه از یکسو و استحکام پیشاهنگ از طریق جذب کارگران پیشرو که به درک و دید پرش مارکسیسم - لنینیسم ناائل می آیند، از سوی دیگر فراهم نماید .

با در نظر گیری نکات فوق و نیز جمع بندی از تجارب سازمانیایی پروتاریا در جنبش انقلابی سال ۵۷، گمته های مخفی لغتصاب آن شکل از سازماندهی است که هم متناظر بروضعیت روند های عینی و ذهنی جامعه در شرایط کنونی است و هم متناظر بر مضمون حرکت انقلابی بوده و هاد ر راستای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان . ادامه دارد

گذاره حزب پاسخ مثبت دهد، با شرایط اختناق منطبق باشد، با نیازهای دوران - انقلابی تطابق داشته باشد و همچنین با توان وظرفیت سازمان همخوانی داشته باشد و از چنان انعطافی برخوردار باشد که در یک شرایط ویژه یعنی در اوج گیری جنبش توده ای بتواند وسیعترین اقشار خلق را رهبری نماید .

خلاصه کنیم ، با در نظر گرفتن چهار ویژگی ، یعنی تداوم بحران انقلابی ، اختناق و سرکوب ، عدم وجود تشکلهای صنفی کارگران در سطح وسیع و بالاخره عدم وجود پیوندی مستحکم میان سازمان پیشاهنگ پروتاریا و طبقه ، شکل ویژه سازماندهی رقم میخورد . اگرچه در اینجا این چهار ویژگی به تفکیک مورد بررسی قرار گرفت ، لیکن آنها شباهت اجزائی لایتجزا از یکدیگر بصورت یک کل واحد ، شکل سازماندهی را مشخص و مقید می کنند . بنابراین شکل - پروتاریا باید بتواند ضمن خشنی نمودن جو ارباب و سرکوب در راستای مضمون انقلابی

ملاحظاتی ... بقیه از صفحه ۱۲

نیز مشروط واقع میشود . بدین لحاظ وقتی سخن از ضعف پیوند مابین پیشاهنگ و طبقه گفته میشود باید هر دو سرادارتباط باید یکدیگر سنجید . اکنون جنبش کارگری ایران نه تنها باعث نبود تشکلات صنفی - توده ای کارائی لازم را ندارد ، بلکه مهتر از آن نبود حزب سیاسی پروتاریا بمنظور رهبری جنبش کارگری نیز از ضعفهای اساسی این مرحله از جنبش میباشد . پس برای فائق آمدن بر ضعف پیوند مابین پیشاهنگ و طبقه از یکسو باید در جهت سازماندهی پروتاریا برآمد ، و از سوی دیگر به سازماندهی انقلابیون حرفه ای (پیشاهنگ) پرداخت . اکنون این دو وظیفه در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر قرار گرفته است .

در پاسخگویی به این ضرورت بود که پلنوم اخیر سازمان درباره سائل سازماندهی به این جمع بندی دست یافت که " سازماندهی باید ضمن اینکه سمت گیری حزبی داشته باشد ، باید به نیازهای دوران



پیام و رهنمود

بقیه از صفحه ۱

کرد که بنابه دلایل فوق الذکر در ارتباط با مدارس و توده دانش آموزان رژیم به موفقیت‌های نسبی هرچند موقتی دست یافته است و نزول سطح مبارزه دانش آموزان و معلمان در مدارس به مراتب بیشتر از مبارزات کارگران و محکشان پس از ۳۰ خرداد ۶۰ بوده است. وضعیت که با اندکی هوشیاری بیشتر از سوی جریان‌های انقلابی و دانش آموزان انقلابی فعال در مدارس سرعت قابل تفسیر خواهد بود. باید سعی نمود تا اعتماد عمیق اکثریت دانش آموزان را به نیروهای انقلابی کسب کرد و این ممکن نیست مگر اینکه فعالیت ما بر بستر زمینه‌های موجود و سطح مبارزه کنونی در مدارس تنظیم شود و همانند با مبارزه انقلابی سراسری علیه رژیم در سطح جامعه.

مسلم اینست که اساساً نیز رژیم تلاش خواهد کرد سیاست سرکوب و کشتار هرچیزی را که در سراسر جامعه تا آنجا که درید قدرتش بوده به پیش برده، در مدارس نیز اعمال نماید. با نظر داشت این مسئله که بویژه طرف دو سال و نیم اخیر رژیم هرچه بیشتر به شیوه جریان سرکوب روی آورده، میبایستی روشن شود که وظایف ما چیست و چگونه میتوانست متحقق شود.

ناگفته نماند است که وظایف ما نحوه عمل مدارس را تعیین می‌کند که می‌خواهیم در مدارس به پیش بریم و با تفرات از سوی دانش آموزان صورت گیرد نمیتواند بدون شناخت و بررسی وضعیت موجود در مدارس و شرایط روحی حاکم بر توده دانش آموزان صورت پذیرد. چرا که در این صورت واضح است که با عدم موفقیت مطلق رو برو خواهیم شد. قطعاً خود رفقای دانش آموز بهتر از هر کس متوجه هستند که اتخاذ سیاست‌های نادرست در نحوه عمل و پیشبرد امر مبارزه در مدارس از سوی جریان‌های سیاسی، یعنی ارائه روشها و تعیین وظایف و سیاست عملگرایی که با شرایط منطبق نبوده بویژه سیاست‌های نادرست مجاهدین که اکثر نیروهای دانش آموزی خود را حول عملیات مسلحانه و تاکتیک‌های بلانکیستی و بدتر از همه بدون در نظرگیری ظرفیت نیروها تخصیص دادند و از سوی دیگر خاطر فقدان یادگیری در این حالت ضعف رهنمود و راه حل پرولتاری جهت تعیین چگونگی ادامه مبارزه سیاستها و اشکال سازماندهی برای توده دانش آموز از سوی جریان‌های کمونیست و بویژه سازمان مادر موقوع نیاز و در نتیجه رها شدن نیروها در امواج سیاستها و تاکتیکهای خرد و بیروثی نه تنها جنبش دانش آموزی نتوانست مقاومت لازم را در مقابل یورش ضد انقلاب حاکم سازمان دهد بلکه در مقاطع معینی در اثر این انحرفات و گسستی‌ها ضریک مهلکی بر مبارزات دانش آموزان وارد شد. همین امر تا حد زیادی برای توده دانش آموزان در رابطه با صحبت سیاستها و تاکتیکهای سازمانهای سیاسی شرقی و انقلابی سؤال ایجاد کرد.

از سوی دیگر سرکوب عنان گسیخته و وحشیانه رژیم و مقابله به شدیدترین وجه با هر عنصر مبارز و هر حرکت مبارزاتی و حتی هر حرکت صنفی اعتراضی، تا حد زیادی چو و روحیه مبارزاتی را در میان توده دانش آموزان تضعیف کرده است و باید دانست که

۱۳ آبان‌هایی که افزیده شد فراموش نکرده، جایزه انقلابی انسان را در مدارس و در خارج آزان برای تداوم انقلاب علیه خود، وادای جاننازیها و ایشار محصلین شرقی و انقلابی را از یاد نبرده، به هنگام بازگشایی مدارس نگرانی افزون تری می‌باید. نگرانی از اینکه این بازگشایی پیوند های انقلابی بریده شده را برقرار نماید و عرصه دیگری از مبارزه برایش گشوده گردد.

بهمین خاطر یکی از عمده ترین شیوه های رژیم جهت فائق آمدن بر مبارزات در مدارس، بویژه پس از ۳ خرداد سال ۶۰ سعی در بازگشایی مدارس بدون دانش آموزان و معلمان شرقی و مبارز بوده است تا اعمال ضد انقلابی مزدوران رژیم و حزب الهی ها با مقاومت سازمان یافته ای مواجه نگردد. از این روشیوه های متفاوتی جهت تصفیه دانش آموزان و همچنین معلمان مبارز بکار گرفته که بر مورد دانش آموزان در سطح حداقل آن، عدم ثبت نام، خواستن معرفی نامه از مسجد یا کمیته محل، ندادن نمره انضباط کافی جهت قبولی و... در موارد زیادی بصورت دستگیری و احیاناً اعدام بوده است. و در مورد معلمان شرقی اخراج های وسیع و دستگیری و در مواردی اعدام آنها.

از سوی دیگر سیاست تشدید اختلاف و جلوگیری از هرگونه مبارزات صنفی و سیاسی و پایمال تمامی آزادیهای سیاسی در مدارس در اینصورت از سیاستهای مشخص رژیم بوده و در سال جدید تحصیل نیز خواهد بود. این عمل سلسله‌علاوه بر سخت گیری ها، تصفیه ها و تمهید گرفتن های اولیه، با تکیه بر مزدوران رژیم چون مریبان امور تربیتی و سایر مسئولین مدارس و انجمنهای اسلامی به پیش برده خواهد شد که ارکان اصلی آن در عین گذاردن جاسوسهای انجمنهای اسلامی و تکیه بر اخراج و توبیخ، تعطیل تمامی فعالیتهای فوق برنامه (بجز فعالیتهای انجمن اسلامی) و جلوگیری از ایجاد هرگونه تشکل یا انجام هرگونه حرکت اعتراضی از سوی دانش آموزان خواهد بود.

رژیم جنایتکار ضمناً برای مقابله با بقایای معلمان غیر مکتبی و از جمله مبارزه نیز هنوز در تلاش شناسایی آنهاست. گونی اخراج یکباره نزدیک به ۳۰۰۰ معلم در سال ۵۹ و کارگزاران عده زیادی از عوامل رژیم تحت عنوان مریبان تربیتی و استخدام سبجی ها در مدارس هنوز برایش کفایت نمیکند.

۱- بر اساس گزارشات که ما دریافت کرده ایم، بنابه علل فوق الذکر، توده دانش آموزان با درکی وسرعت بیست مبارزه سیاسی و حتی بحثهای سیاسی کشیده میشوند و سعی محافظه کاری در آنان شکل گرفته است. در نتیجه میبایستی دقت و انرژی زیادی در درک خواستههای توده دانش آموزان در مقطع کنونی (که عمدتاً زمینه صنفی دارد) گذاشت و با شرکت فعال و امن زدن بحرکتی که در این زمینه میتواند صورت گیرد یا فرض در جریان است جهت شخصی ربه آن حرکت داده و رهبری آنرا در دست گرفت. خواستهها باید شکل مشخص گانالیزه کرد، خواستههایی که با توجه به نیرو و روحیه کنونی دانش آموزان قابل حصول بوده و با اقل دروازه ذهن نباشد. البته باید توجه داشت آنچه که مبارزات توده دانش آموزان را در این سطح نگهداشته سرکوب عنان که یخته رژیم از یکسو عدم سازمانیافتگی دانش آموزان در چهارچوب تشکلهای انقلابی و حول برنامه ای انقلابی است که در زیر بدان خواهیم پرداخت.

۲- رفقای هوادار بایستی تبلیغات وسیعی را حول برنامه و خط مشی سیاسی سازمان، مسائل سیاسی مطرح در سطح جامعه، مسائل مربوط به گروههای سیاسی دیگر، خواستهها و مسائل توده دانش آموزان و... به پیش ببرند. بخش اخبار مبارزات دانش آموزان و معلمان همان مدرسه و مدارس دیگر و همچنین بخش اخبار گزارشات مبارزات کارگران و محکشان در سطح جامعه از اهم وظایف ماست. نشان دادن و تثبیت حضور سیاسی سازمان و ایده های انقلابی آن در مقطع کنونی اثرات بسیار ارزنده ای بر روحیه توده دانش آموزان و جو مبارزاتی باقی خواهد گذاشت. امری که بهر حال نهایتاً و بر اساس درگرو رشد بیشتر مبارزه بقیه در صفحه ۱

ه چه گسند ده ت با د اتحاد عمل نبروهای مترقی و انقلابی



ملاحظات

در اثربخشی های ملموس چندین ساله اخیر، اکثریت قاطع از توده های کارگر بزرگانی بضرورت تشکیلات پی برده اند. اگرخواهیم از اثر جنبشهای انقلابی نستادوری که در ذهنیت توده های کثیری از کارگران جدید نفوذ مستقیم و ملموس نموده است، درگذریم، اما جنبش انقلابی سال ۵۷ و تدوام آن بگونه های مختلف، تجربه های گرانبهای را از عمل مستقیم مبارزاتی و ضرورت تشکیلات در دسترس قرار داده است. منتها توده های کارگر بر بستر این تحارب، اگرچه آیدیده شده و به ضرورت تشکیلات پی میروند، لیکن بخودی خود به درک علمی از سازماندهی نائل نمیشوند. آنها در هر برهه از پروسه مبارزاتی به آن شکلی از سازماندهی واقف میشوند که شرایط عینی و ذهنی، آن شکل از سازماندهی بر آن توده اتان ملموس و ممکن گردانند و است. و از این جهت آنان آگاهانه به تدارک سازماندهی نمیپردازند.

میکرد. ساخت اقتصادی، درجه رشد و انکشاف نیروهای مولده و در نتیجه ساخت طبقاتی جامعه و روابط فی مابین طبقات بر بنای درجه رشد تقسیم کار اجتماعی و نقش هر یک از اقشار و طبقات گوناگون اجتماعی در چارچوب قانونمند بهای حاکم در دوران کنونی بشابه آن روند های عینی است و از سوی دیگر وضعیت ذهنی توده ها، میزان آگاهی طبقاتی، تجربیات مبارزاتی، اشکال و درجه سازمانیابی توده ها، چگونگی و اشکال سرکوب رژیم و... بشابه روند های ذهنی است.

سازماندهی کارگران باتوجه به این روند های عینی و ذهنی که در عین حال چشم انداز و اهداف سازماندهی را مشخص میکند، میتواند سرشتی انقلابی و کارساز در پیشبرد مبارزه طبقاتی پرولتاریا داشته باشد. بدون توجه به این زمینه ها که سازماندهی را مشخص میکند، یا پیشاهنگ و پیشرو همچون توده های کارگر اسیر جریانات روزمره شده و شکل سازماندهی هدف داری را تعقیب نمیکند و معیارات دیگر همراه با جذر و بد های جنبش کارگری و بر اساس شرایط گذران روزمره به دنبال روی از - سرحوادث و جنبش کارگری پرداخته، و یا پیشاهنگ با عدم درک صحیح از این روندها چشم انداز و اهداف جنبش کارگری بر آن شکل از سازماندهی تاکید میوزد و به تدارک میپردازد، که عملاً بر زمینه های عینی و ذهنی منطبق نبوده و لاجرم کارساز واقع نمیشود.

بر این اساس است که گفتیم تنها کافی نیست بضرورت سازماندهی واقف شد. بسیاری از نیروهای سیاسی انقلابی بر این ضرورت واقفند، اما، اشتراک در درک ضرورت سازماندهی، بمعنای اشتراک در درک از چگونگی سازماندهی نیست. یعنی مثال دو درک متفاوت از دوره ای که در آن بسر میبریم، الزاماً به دو درک متفاوت از وظایف و اهداف پیشاهنگ پرولتاریا و از اینجا به چگونگی سازماندهی میرسد. آن نیرویی که به شکست انقلاب معتقد گشته است بانویری سیاسی دیگری که بحران انقلابی را بر جامعه حاکم میدانند، عملدار امر سازماندهی نیز به درکی متفاوت نائل میشود. از این نظر، پیشاهنگ اگر درک صحیحی از زمینه های عینی و ذهنی سازماندهی و نیز چشم انداز و اهداف جنبش کارگری نداشته باشد، در بهترین حالت انرژی خود را به هز میرسد، و اگر از این فرض "بهترین حالت" صرف نظر کنیم بنابه توان خود حتی میتواند جنبش کارگری را کند کرده و یا به انحراف بکشد. به همین دلیل، بررسی ویژگیهای که در هر دوره جامعه را احاطه کرده است، برای پیشاهنگ، بعنوان امری ضروری و سرنوشته ساز بدل میشود. بدون شناخت اساسی ترین این ویژگیها امر

سازماندهی نمیتواند در خدمت جنبش هدفمند پرولتاری واقع شود.

صرف نظر از روند های عینی، در اینجا ما باتوجه به آنچه که فوقابیان شد، به چهار ویژگی مهم که سازماندهی جنبش کارگری را در وضعیت کنونی مشخص و مقید میسازد، بسنده می کنیم. این ویژگیها عبارتند از: تدوام بحران انقلابی حاکم بر جامعه، وجود شرایط اختیاتی، نبود تشکلهای صنفی - توده ای کارگران، نبود حزب سیاسی پرولتاریا وضعف پیوند مابین سازماندهی سیاسی پرولتاری و طبقه کارگر. از میان این ویژگیها، تدوام بحران انقلابی، نقش اصلی را در چگونگی برخورد با امر سازماندهی پرولتاریا بر عهده دارد.

۱- تدوام بحران انقلابی

در پی انتقال قدرت از طبقه ای ضد انقلابی به طبقات ضد انقلابی دیگر و تدوام بحران انقلابی در پهنه جامعه شرایط خود ویژه و خاصی را بر جامعه تحمیل نموده است. از سویی طبقه کارگر در هفتاد و نه حکتشان و دیگر قشرهای در حرات و انقلابی خواهان تحقق اهداف انقلاب و کسب آزادی از قیود امپریالیسم و استقرار حاکمیت انقلابی خویش هستند و از سویی دیگر رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت ضد خلقی خود به روبرویی با مبارزات کارگران و حکتشان میپردازد.

ادامه این روند در طی دوره پس از قیام که بنوبه خویش دارای افت و خیزهای متعدد بود شرایط خود ویژه و کشاکش انقلاب و ضد انقلاب را سبب گردیده است.

هرچند که با سرکوب و حشمانه رژیم پس از وقایع ۶۰ خرداد ۶۰ جنبش توده ای به طور اجتناب ناپذیری دچار افتی موقت گردید و لیکن انقلاب بعلمتند اوم بحران انقلابی و وسعت جنبه عظیم انقلاب منجر به شکست نگردید و بحران انقلابی همچنان تدوام یافت. رژیم جمهوری اسلامی علیرغم تمام کشتارها، لغدام ها و تالانگریهای قرون وسطائی اش قادر نگردید شعله های انقلاب را خاموش سازد. بنابراین در برنامه پرولتاریا انقلاب در دستور قرار دارد. در این شرایط خود ویژه کشاکش انقلاب و ضد انقلاب، چشم انداز آتی جنبش پیش از هر چیز همانا بریائی لغتصاب عمومی و قیامی مجدد است. از این رو یاد داشتن این چشم انداز نمیتوان به آن شکلی از سازماندهی کارگران مبادرت ورزید که در یک شرایط عادی لازم است. بلکه باید کارگران را در انجنان تشکلهایی سازمان داد که از طریق آن طبقه کارگر قادر گردد یاد ر نظر گرفتن چشم انداز کنونی تدارک لغتصاب عمومی و قیام را ببیند. بقیه در صفحه ۶

اماری پیشاهنگ پرولتاریا و افاصله ای پیشروان کارگری که مستقیم و غیر مستقیم در ارتباط با پیشاهنگ قرار دارند، ضرورت تشکیلات لغاز گامی است در جهت شناخت از چگونگی ایجاد تشکیلات و سازماندهی. و این شناخت همچون شناخت توده های کارگر نیست که عمدتاً مبتنی بر ورود اد ها و مبارزات جاری است، بلکه شناختی است که از جمع بندی آگاهانه از تحارب، زمینه ها و موجد مبارزه طبقاتی و ویژگیهای عمده ای که مبارزات در آن جریان دارد و چشم انداز حرکت و اهداف جنبش، به دست می آید و از اینرو به عکس شناخت توده های کارگر چشم به آینده دارد و از این جهت تدارک آگاهانه را مطلبید. در حقیقت سازماندهی از نظر پیشاهنگ چیزی جز نظم آگاهانه بخشیدن به مبارزه طبقاتی پرولتاریا نیست و بدون آگاهی از روند مبارزه طبقاتی و دوره ای که این مبارزه در آن جریان دارد، دستیابی به مضامین و اشکال ضروری سازماندهی ناممکن است.

برای این منظور در تحلیل از روند مبارزه طبقاتی تفکیک دو زمینه از یکدیگر، یعنی روند های عینی از روند های ذهنی جامعه ضروری است. زیرا که هر یک از این دو روند به نوبه خود دارای عملکردهای خاص خویش بود و در ارتباط معینی با یکدیگر قرار دارد. روند های عینی که جهت و ضمن حرکت جامعه و الاخص (بطور کلی و در تحلیل نهائی) روند های ذهنی را تعیین مینماید، بنوبه خویش تحت تاثیر روند های ذهنی واقع



در شرایطی که بحران انقلابی حرکت
واقع را سرعت می بخشد آنچه که امروز تازگی
دارد در مدت زمانی کوتاه کهنه میگرد -
نمی‌توان توان اصلی را در سازماندهی کارگران
به آن تشکلهایی که در زمانهای عادی
ضرورت دارد بکار گرفت .

امروز که چشم انداز خیزش مجدد توده
- هامحتمل است باید به انجمن تشکلهایی
دست یافت که از یکسو امر مبارزات جاری و -
خواستهای فوری طبقه را جوابگو باشد ، و
از سوی دیگر ، همین سازماندهی بتواند
ارتقاء و تبدیل به تشکلهای وسیعی که توان
رهبری مبارزات وسیع و سراسری طبقه را در
راستای برپائی اغتشاب عمومی سیاسی و
قیام مسلحانه جوابگو باشد ، دارا باشد .
یعنی تشکلهایی که از سویی خود را در چارچوب
تنگ مبارزات خود بخودی ویرا کنند و کنونی
محمول سازد و از سویی دیگر بر مبنای مضمون
انقلابی خویش بتواند به تشکل مورد اعتماد
توده های وسیع کارگر در راستای انقلاب
تبدیل گردد .

۲- وجود شرایط اختلافی

مبارزه طبقاتی در جامعه ما از آنجنان
حدت و همی برخوردار است که حاکمیت
بهره‌واری را برانند استقرار اختلاف و سرکوب
عجین ساخته است . تحولات سیاسی چند
سال اخیر نشانگران است که نمایندگان
اقتدار مختلف بهره‌واری در ایران ، هنگامیکه
قدرت سیاسی را در دست ندارند ، شمار
دگرگونی و آزادی را ملعمه ای جهت
رسیدن بقدرت قرار میدهند ولیکن هر یک
از آنان پس از کسب قدرت سیاسی جهت
حراست از منافع بهره‌واری بطور اعم و حراست
از منافع قشر خاصی که انرا نمایندگانی
میکند - بطور اخص - در مقابل با کارگران و
زحمتکشان به سیاست سرکوب و گشتار متصل
میشوند . اصولاً روینای سیاسی سرمایه داری
وابسته (بطور قاعده) نمیتواند چیزی جز
دیکتاتوری مریان علیه کارگران و زحمتکشان
باشد . حاکمیت بهره‌واری جدید از اضمحلال
اختناق و سرکوب اساساً غیر قابل تصور
است . در جامعه ما (بهره) این دیکتاتوری
مریان زمانی گسسته میشود که توده ها در
دوران انقلابی بفعالیت مستقیم انقلابی
میردازند ، و جو سرکوب و خفقان را در هم
میکنند . از این رو در جوامع سرمایه داری -
وابسته و بهره جوامعی نظیر ما بهره‌واری -
اساساً قادر نیست مشروع اعطاء کنند
دگرگونی حتی شکل نیم بند و سر و دم -
بریده آن باشد و کارگران و زحمتکشان تنها
از طریق مبارزه با بهره‌واری است که به
دگرگونی و آزادی دست می یابند .

در عین حال ، برای تحلیل مشخص از
وضعیت کنونی نمیتوان فقط به ویژگی روینای

ملاحظاتی . . .

بقیه از صفحه ۵

سیاسی در جوامع سرمایه داری وابسته ،
یعنی دیکتاتوری مریان ، اتکا کرد . خفقان
سرکوب و کشتاری که رژیم جمهوری اسلامی
پس از ۳ خرداد بر راه انداخت با هیچیک
از دیکتاتوری های مریان اعمال شده در
جوامع سرمایه داری وابسته قابل قیاس
نیست . چرا که رژیم پانفلیق ارگانیک این
نوع دیکتاتوری با دیکتاتوری حکومتی ای
مذهبی قرون وسطائی (از موضع بهره‌واری
عقب مانده و منظر تحقیق و سرکوب توده -
ها توسط قوانین الهی) ، ویژگی خاص
خود را در حکومتی دیکتاتوری داراست .
به این ترتیب که رژیم جمهوری اسلامی
برای بازسازی و حفاظت از مناسبات
سرمایه داری ، نفعهای مینویه های فریب
و سرکوب رژیمهای " دیکتاتوری " جوامع
سرمایه داری وابسته اتکا دارد ، بلکه
مذهب و اعتقادات مذهبی توده ها را نیز
برای تشدید تحقیق ، فریب و سرکوب
توده ها بخدمت منافع اقتاری از بهره‌واری -
در آورده است .

اعمال این چنین جواختنال و سرکوب
و حشمانه علیه ابتدائی ترین حقوق کارگران
از سوی رژیم ، در اشکال مبارزات سازمان -
یابی کارگران در مقابل با استثمار دایم سرمایه
و دولت حامی سرمایه داری وابسته
نمی‌توانست بی تاثیر باشد . زیرا که در اشیر
تشدید جواختناق ، واضه فعالیت و کارائی
تشکلهای علنی کارگران کاهش پیدا میکند و
دیگر این تشکلهای (حتی در همان محدوده -
خود) قادر نیستند مستقیماً رژیم را مورد حمله
قرار داده و توده های وسیع کارگران را علیه
آن مبارزه برانگیزند . زیرا که در چنین
صورتی رژیم اختلاف و ترو جهت سرکوب
تشکلهای علنی دستش کاملاً باز است .

در شرایطی که هر اعتراضی و طرح هر
خواسته ای از سوی کارگران سرکوب میگردد
و اغتشاب آنان نه تنها غیر قانونی و مستحق
شدیدترین مجازاتها ، که علاوه بر آن تمسیر
شرعی " و بجزله مخالفت با اسلام قلمداد
میشود ، واضح است که سازماندهی مبارزات
و اغتشاب کارگری نمیتواند عمدتاً از طریق یک
سری تشکلهای علنی قابل تحقق باشد .
مضافاً تجربه پس از ۳ خرداد اعلان نشان داد
که تداوم تشکلهای علنی باعث شناخته
شدن هر چه بیشتر کارگران پیشرونده و رژیم
با دستگیری و اخراج تعداد کثیری از این
کارگران ، عملاً بقدرت آزادی کارخانه ها را
از وجود این قبیل کارگران (که رهبران
طبیعی توده های کارگر در کارخانه بحساب
می آیند) تهی نمود و معبارت واژه های

جمهوری اسلامی کارخانه ها را پاکسازی کرد
بنابر این تشکلهای غیر علنی ضرورت خود را از
این نقطه نظر نیز اثبات کرده اند . البته
باید توجه داشت که تاکید بر ضرورت تشکلهای
مخفی بهیچ وجه بمعنای نفی مطلق و چشم
پوشی از تشکلهای علنی و نیمه علنی که توده
های کارگر را در بر میگیرد نیست ، بلکه بیان
این واقعیت است که در یک چنین شرایط
اختناق مرکز و کانون سازماندهی مبارزات
کارگران نمیتواند علنی باشد .

از این روست که در عمل نیز کارگران پیشرو
با آگاهی از روند اختناق و سرکوب شده به
سوی آن تشکلهایی تمایل پیدا میکنند که
قادر باشد در عین مخفی بودن دارای ارتباط
وسیع با توده کارگران باشد . و از این نظر نیز
تشکلهای مخفی ، در شرایط اختناق شده
ضرورت خویش را عیان میسازد .

۳- عدم وجود تشکلهای صنفی کارگران
در سطح وسیع

نگاهی به تاریخچه سیر تحول تشکلهای
صنفی کارگران و کارائی آن در شرایط مختلف
میتواند در این رابطه بسیار مفید باشد .

با استقرار نظام سرمایه داری و شکل گیری
طبقه کارگر ، مبارزه طبقاتی میان دو طبقه
سرمایه دار و کارگر بر سر تقسیم محصول بدست
آمده از کار کارگران نیز آغاز میگردد . کارگران
برای مقابله با روند بی وقفه و بی پایان تهاجم
فشار سرمایه در جهت کاهش دستمزد و
افزایش ساعت کار موفق میگردد تشکلهای
صنفی خویش را (سندیکا و اتحادیه) در -
مقابل با این روند برپا دارند . و حتی جبهه
قانونی برای این تشکلهای صنفی کسب
نمایند .

" سندیکا ها در مرحله اول توسط کوشش
- های خود بخودی کارگران برای از بین
بردن مصادقل محدود کردن این رقابت
و برای بهبود بخشیدن بشرايط کار
قرار دادی حد اقل بصورتی برتر از شرايط
برندگان صرف ، بوجود آمد . و همین دلیل
هم هدف آن به مطالبات روزمره ، بوسائل
دفاع در مقابل تجاوزات بی وقفه سرمایه ، و
خلاصه بمسائل مزد و زمان کار محدود میشد .
این نوع فعالیت سندیکا ها نه فقط مشروع
بلکه ضروری است . تا هنگامی که شیوه
تولید کنونی باقی است نمیتوان از این
فعالیت چشم پوشید . " (از قطعنامه های
نخستین کنگره انترناسیونال اول ، ژنو -
۱۸۸۶ - مارکس) .

اما این نوع اخیر فعالیت " کارگران یعنی
" مبارزه در راه مطالبات روزمره و دفاع در
مقابل تجاوزات بی وقفه سرمایه و خلاصه مزد
و زمان کار " در کلیه جوامع به يك شکل و از
طریق سندیکا و بقیه در صفحه ۱۲

پیشش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

قرارداد، اما اعمال این شیوه در پاکستان که تجربه مردم ایران را پیش روی دارند قابل تحقق نیست.

بحران . . .

بقیه از صفحه ۲

عق نشینی هائی از سوی دیکتاتوری نظامی کاملاً محتمل است. کما اینکه ضیا الحق پس از شورت با هیئت امریکائی که در دوین هفته لغز لغز اعتراضات توده ای برای بررسی وضعیت منطقه بررسی کمکهای نظامی رژیم پاکستان به آن کشور امداد بود و همچنین به دنبال مشورتهایی که ضیا الحق با دیگر کشورهای مترجم منطقه از جمله ترکیه و عربستان بعمل آورده است حاضر به قبول برخی از خواستههای مطروحه شده است از جمله مسئله تسریع در برگزاری انتخابات و تغییراتی در کابینه که به غیر نظامیان نقش بیشتری داده میشود طبیعی است که این اعمال هیچگونه تسخیری در سیستم موجود و وضعیت توده ها ناپدید نخواهد آورد و تا کتیکی عوام فریبانه و فریبکارانه پیش نیست.

پاسخ انقلابی مردم در قبال باز دیدها - ی اخیر ضیا الحق از شهرهای ایالت سند بیانگراچ نفرت و انزجار توده ها از رژیم حاکم است. مردم نه تنها اسکورت ضیا - الحق را سنگسار کردند بلکه با فرستادن گله ای الاغ در مسیر حرکت وی، سیاستهای تحمیلی و فریب رژیم را محکوم نمودند.

در چنین شرایطی که موج حرکات انقلابی توده ها بسیار پیشرفته تر از رهبری جنبش اتحاد دگرسی است و دلیل موضع طبقاتی این جنبش، امکان سازش و تکمیل با کسب برخی رفورها چندان بعید نمی نماید، وظیفه انقلابیون کمونیست و نقش آنان در جنبش انقلابی بسیار با اهمیت است، اساساً کمونیستها هیچگاه بصرف اینکه در راس جنبش قرارند آرند، از شرکت در مبارزه - انقلابی سرباز نمی زنند. دفاع قاطعانه از هرگونه جنبش توده ای انقلابی و شرکت فعال در مبارزات توده ها و تلاش در جهت ارتقاء خواستههای آنان و تد اوم مبارزه تا سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیزم حاکم بر پاکستان و برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان وظیفه همیشگی انقلابیون کمونیست است. و البته این وظیفه محدود به انقلابیون پاکستانی نبوده و یک وظیفه انترناسیونالیستی کلیه کمونیستهای مقیم در پاکستان میباشد.

در وضعیت موجود مترجمین مذهبی و احزاب اسلامی پاکستان که تاکنون حمایت بی چون و چرایی از رژیم پاکستان داشته اند سعی دارند از جنبش موجود سود جستند و امتیازاتی نیز نفع خود کسب کنند و چنانچه جنبش در سرپرش دیابند خود حیات رژیم

از اینرو تلاشهای مذبحوانه رژیم نظامی پاکستان در تحمیل مردم و ملیس کردن رژیم حاکم در پیشش مذبح بانا کاهی مواجهه شده است و این امر در شعارهای مردم آنها که میگویند "تاکی اعمال سرکوب و خفقان تحت لوای مذبح منعکس است. اما اینکه مردم فریب تاکتیک فوق را نخوردند و بد آن مفهوم نیست که بلافاصله این نتیجه گیری شود که رهبری پرولتری برجانبش حاکم است. چرا که بر اساس سیاست جهانی امپریالیزم مبنی بر "کمونیست زدائی" و همچنین عقب ماندگی تاریخی پرولتاریای کشورهای تحت سلطه نظیر پاکستان چه به لحاظ ساختاری و چه از جهت تعلقات مذهبی و عقب ماندگی فرهنگی، جنبش کمونیستی سازمانهای کمونیستی در پاکستان ضعیف است و طبیعی است که در چنین شرایطی جریانات وابسته به بورژوازی "لیبرال" سعی در کسب رهبری جنبش و استفاده از پتانسیل انقلابی توده ها در کسب امتیازاتی از رژیم حاکم هستند و - سازمانهای دگرسی انقلابی نیز به دلیل ضعف جنبش کمونیستی به هژمونی بورژوازی لیبرال تمکین میکنند. جنبش اتحاد دگرسی که مشکل از احزاب مختلف لیبرال دگرسیک هستند هم اکنون رهبری تظاهرات و اعتراضات را برعهده دارند. محور خواستههای جنبش اتحاد دگرسی بر سه اصل استوار است ۱- برگزاری فوری انتخابات آزاد ۲- پایان بخشیدن به حکومت نظامی ۳- استعفای ضیا - الحق و اتباد رمواردی مسئله کاهش اختیارات ریاست جمهوری را نیز مطرح کرده اند اما این شعارها هرچند در شرایط موجود در پاکستان بطور مطلق جنبه های ترقی دارد اما اساساً شعارهایی رفرفیستی است و با سطح مبارزات توده ها آنطور که در اخبار و گزارشات منعکس است همخوانی ندارد و حتی عقب تر از انت و بلافاصله در ذهن مردم ایران شعارهای نهضت آزادی و مبارزگان را در آستانه سقوط رژیم گذشته بیاد می آورد. و در اساس حفظ سیستم موجود را با تغییراتی مد نظر دارد.

جنبش اتحاد دگرسی در شرایطی به این خواستهها دل خوش کرده است که توده ها با اعمال قهر انقلابی و حمله بر مراکز ستگری رژیم، حاکمیت پاکستان را بر سر سوال برده اند طبیعی است که در نبود یک انترناتیو پرولتری جنبش توده ای به چنین جریاناتی روی آورد، اما اشکال مبارزات مردم بسیار فراتر از درخواستهای جنبش است با توجه به وضعیت موجود و سیر تحولات، چنین بنظر میرسد که امکان

کمونی را تهدید کرد در تند ارك رژیمی نظیر ایران باشند. از اینرو فرصت طلبانه سعی در اتخاذ مواضع بینابینی دارند یعنی از یک سو حرکات انقلابی توده ها را محکوم میکنند و توده ها را رابده شیوه های صالت امیز مبارزه دعوت میکنند و از سوی دیگر رژیم پاکستان را به برگزاری سرعتر انتخابات ترغیب میکنند و وضعیت موجود را ناشی از برخی اشتباهات ضیا الحق قلمداد میکنند و در هر حال وحشت خود را از جنبش توده ای و خیزشهای انقلابی بنمایش میگذارند.

در این رابطه نیز وظیفه انقلابیون کمونیست افشای ماهیت ارتجاعی و فرصت طلبانه و ضد مردمی آنان است. آنچه مسلم است توده ها در جریان مبارزه و تجارب عملی خود و با تعمیق آگاهی خود که در پیوند با نیروهای انقلابی میراث قطعاً انقلابیون واقعی و سازشکاران را از یکدیگر بساز می شناسند و بر فزونی قطعی خلق قهرمان پاکستان نیز در کروی آگاهی، تشکل، سازمان - یابی و هژمونی پرولتری برجانبش خواهد بود و این مجموعه عواملی است که ضجرسه سرنگونی رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیزم حاکم بر پاکستان و برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان خواهد شد.

با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید

کمکهای مالی دریافت شده	
مبلغ	کد
۵۰۰۰	س - ۱۲۳
۵۰۰۰	۱۲۵
۵۰۰۰	روستای نوکنده
۱۰۰۰۰	بدون کد
۱۰۰۰۰	رفیق هادی
۲۰۰۰۰	ن - ۳۲
۳۰۰۰	رفیق سعید شریفی
۲۰۰۰	رفیق عزیز یاراحمد
۱۰۰۰	رفقای دولت آباد
۳۰۰۰	فیلیکس
۱۰۰۰۰	د - ۱۰
۱۰۰۰۰	داریوش
۱۰۰۰	س - ۳۰۰
۱۰۰۰۰	داریوش
۱۰۰۰	س - ۳۰۰

۴ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است



جنبش انقلابی . . .

بقیه از صفحه ۱۴

میکرند طی این مدت جاشهای قیاده موقت واقع در روستای شیخان بسه کک مزدوران که مقاومت مذبحخانه ای میکردند آمدند اما کاری از پیش نبرد و فرار میکنند و شهر کاملاً به تصرف پیشمرگان در می آید. در این حملات عده ای از پیشمرگان بد داخل شهر باقی نماندند و یک باب در آنجا کار میگرداند که پس از مدتی منفر شده و در خود رو ضد مردم و ساختمان خساراتی وارد میکند پیشمرگان پس از تسلط کامل بر شهر برای مردم سخنرانی میکنند و سبانه پایان رساندن این عملیات قهرمانانه بدون هیچ تلفاتی سالم به پایگاههای خود باز میگردند.

پانزدهم مرداد - در جریان حمله پیشمرگان به پایگاه دشمن در منطقه پوره - بوک یانه ۳۰ نفر از مزدوران دشمن کشته شدند که جسد جاش معروف منطقه بنام هشیار فرزند مجید هم در بین آنها بود. - غنائم بدست آمده ۲ قبضه ژ-۳ ۸ خناب ژ-۳، ۳۰۰ فشنگ ژ-۳، ۲ سوز در این درگیری یک صریازیا ۱۰۰ فشنگ و یک قبضه ژ-۳ به پیشمرگان پیوست.

پنجم مرداد - از ساعت ۵ صبح روستای مزان واقع در جنوب شرقی سنندج مورد تهاجم سپاه و ارتش قرار گرفت. طی این نبرد که ۱۹ ساعت بطول انجامید رژیم پس از هر حمله مجبور به عقب نشینی شد و علی رغم ستونهای متعدد نفرات ارتش که پیای به منطقه اعزام میشدند و علی رغم تلاشهای زیادی که دشمن از هر سو برای تصرف روستا میکرد با مقاومت قهرمانانه پیشمرگان روبرو شده و به مواضع قبلی بازگشت.

ششم مرداد رژیم حمله وسیعی را همراه با هلیکوپتر توپ و خمپاره در ساعت ۴ صبح به روستای قره قشلاق در منطقه مهاباد آغاز کرد. این نبرد ۸ ساعت طول کشید و طی این مدت نیروهای یککی رژیم از شهرهای مهاباد، بوکان و میاندوآب وارد درگیری شدند اما گشایش رژیم برای دستیابی به این روستا با مقاومت پیشمرگان روبرو شد و با بجا گذاشتن ۱۰۰ کشته شکست مفتضحانهای خورد و مجبور به عقب نشینی شد. در میان کشته شدگان اجساد فرمانده گروه ضربت مهاباد بنام احمد حسینی و فرمانده سپاه پاسداران میاندوآب شناسائی شدند. در این درگیری غنائمی هم بدست آمد. در این نبرد نابرابر ۱۰ پیشمرکه حزب دمکرات شهادت رسیدند. همچنین روستا

توسط رژیم باتوپ بمباران ویران شد و یک دختر بچه شهید و ۲ تن از اهالی زخمی شدند.

هفتم مرداد - یک زحمتکش کوره خانه در منطقه سردشت مجرم همکاری با پیشمرگان توسط جاشهای قیاده موقت دستگیر میشود که پس از شکنجه او اعدام میکنند.

هشتم مرداد - دشمن تعدادی از پیشمرگان را که به روستای کوره دره در منطقه سنندج آمده بودند محاصره کرد. پیشمرگان با یک حمله ضربتی موفق بشکستن حلقه محاصره شدند اما یکی از آنها موفق به فرار از درگیری نشد و به تنهایی ۸ ساعت تا آخرین فشنگ با دشمن جنگید و سپس به اسارت دشمن درآمد و در مقابل روستائیان اعدام شد.

در شهر سقز از روز ۱۱ مرداد تا ۲۴ مرداد ۲۱ نفر از فرزند آن قهرمان خلق بیخونه های اعدام سوره شدند. بدنیال اعدام این عده شهر سقز بحالت نیمه تعطیل درآمد و خانواده های اعدام شدگان جلوی سپاه پاسداران تجمع کردند و شعار مرگ بر خمینی دادند و طرف پاسداران حمله کرده و یکی از این مزدوران را شدت کتک میزنند. پاسداران جنایتکار سپاه که از حرکت مردم شدیداً ترسیده بودند مردم را به رگبار بسته و آنها را پر اکند ساختند. مردم بدنیاال این حرکت وحشیانه دسته دسته بخانه خانواده های شهید رفتند و شهر همچنان بحالت نیمه تعطیل باقی ماند و دکانداران علی رغم تهدیدهای رژیم حاضر به باز کردن مغازه هایشان نشدند.

یکی از فرزند آن مبارز خلق بنام درویش خدر پس از سه سال تحمل شکنجه در زندان بانه با ۱۵ گلوله اعدام شد.

چهارتن از فرزند آن قهرمان خلق به نامهای عمر شیخ زاده، خدر خدری، رسول بانوی و علی عزیز که در زندان بانه با اعدام محکوم شده بودند روز ۱۳ مرداد از زندان فرار کرده و خود را بنطقه آزاد شده رساندند

رژیم ایران و عراق منطقه بیرانشهر را شدت بمباران میکنند که بر اثر این بمباران - ها خسارات زیادی به این شهر و روستا - های اطراف آن وارد آمده و تعداد زیادی از مردم این ناحیه شهادت رسیده و سا آواره گوهانشده اند.

در شهر سقز رژیم در کوجه ها و خیابانها خانه ها جوانان شهر را قتلگرم کرده و دستگیر میکند تا بزور برای سرسازی به پادگانهای برود. در این رابطه عده ای از جوانان برای فرار از سرسازی بضاطق

آزاد شده آمده و به پیشمرگان پیوستند.

روز ۱۲ مرداد اهالی روستای قصبه در نزدیکی شهر یانه شاهد کشته شدن یکی از زحمتکشان این روستا بدست مزدوران سپاه بودند. پاسداران بر سر کشتن این روستایی بی دفاع با هم شرط بندی کرده و سپس دست به این عمل وحشیانه زدند. مردم روستا بدنیاال این حرکت جنایتکارانه سپاهیان اسلام دست به تظاهرات زدند به طرف آنها حمله میکنند. این مزدوران بزدل که روحیه خود را باخته بودند به طرف مردم تیراندازی میکنند تا مانع حرکت آنها شوند ولی نتیجه اینکار تنها بشرکت زنان و کودکان در تظاهرات متاهی میشود پاسداران که می بینند تیراندازی بطرف مردم فایده ای ندارد نیروی ککی خواسته وید بنویسه اعضای شورای ده را دستگیر میکنند. روز بعد اهالی روستا برای آزادی زندانیان بطرف شهر یانه راه پیمائی میکنند.

دهم مرداد - چند دسته از پیشمرگان جاده سردشت - بیرانشهر را بطول ۴ کیلو متر تحت کنترل خود میگیرند و اولین دسته محافظین جاده را بدام می اندازند پس از شروع درگیری نیروهای دشمن از کلبه پایگاههای اطراف به محل درگیری میروند و دانه درگیری به تمام روستاهای اطراف کشیده میشود پیشمرگان دشمن را تا پایگاههای در اسرا وین و بازگان عقب میرانند و پایگاه بازگان را زیر آتش گرفته عده ای از مزدوران داخل آنرا بمباران میسازند. در جریان این درگیری دشمن که تعدادی از این بردن پیشمرگان را که بداخل روستاهای اطراف رفته بودند را دست روستاهای بازگان وطن را زیر آتش تپ و خمپاره گرفته که ضربه شهادت به یک روستایی زخمی شدن ۲ نفر از اهالی روستای ملین شد. در این نبرد ۴ نفر از مزدوران دشمن کشته و دههاتن زخمی شدند هم چنین ۱۴ اسیر و ۱۳ جسد بدست پیشمرگان افتاد غنائم بدست آمده عبارتند از ۱۶ تفنگ ژ-۳، ۳ دستیار ژ-۳، یک تفنگ اس، آره آره - ۱۸ نارنجک، دو بی سیم و یک دوربین.

در اولین ساعات صبح چهاردهم مرداد رژیم یروش وسیعی را به منطقه انزل از توابع ارومیه شروع کرد پیشمرگان پس از اطلاع از حمله رژیم، بلافاصله به چندین واحد رزمنده تقسیم شده بمقابله با دشمن پرداختند. درگیری شدیدی بین پیشمرگان و نیروهای دشمن بوجود می آید که دانه ان به تمام ارتفاعات منطقه کشیده میشود. زحمتکشان صلح منطقه در این جنگ بکمک پیشمرگان آمده و در تمام جبهه ها دوش به دوش آنها می جنگند. پیشمرگان پس از دو روز نبرد قهرمانانه بقیه در صفحه ۱۳

حقوق ملل در تعیین سب نوشتن خود حق مسلم آنهاست

نزد يك به پنجسال از حكومت ضد بشری خمینی و دستیاران جنایتكارش (تجار و سرمایه داران زالو صفت) می گذرد و بیش از چهار سال از روزیکه حكومت وابسته به امپریالیسم شاه جنایتكار در اثر قیام خونین خلق در هم فرو ریخت سپری می شود. هنوز خلقهای زحمتکش ما بیاد دارند که چگونه شاه باچشمی گریان همراه خاندان کثیف خود سوار هواپیما عازم دیار اریایان خود گردید. هنوز طنین شعارهای کومنده مرگ بر شاه - مرگ بر امریکا - مرگ بر بختیار نوکری بی اختیار در گوش مردم باقی است و هنوز لحظات فراموش نشدنی قیام مسلحانه خلق در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ و تسخیر مراکز دولتی - رادیو تلویزیون - کلاتریمها - پادگانها و ۰۰۰۰ از خاطرها محو نگشته و هنوز شعارهای استقلال - کار مسکن - آزادی بر دیوارهای شهرها برجای مانده است و خاطره گرامی و پرشکوه سنگرهای خیابانی در ذهن توده ها بعنوان يك تجربه ارزنده زنده است. حال چگونه است که پسر از گذشت نزدیک به ۵ سال این خادمان امپریالیسم امریکا (شاه فراری با کاری [بختیار نوکری بی اختیار] دایه مهربانتر از مادر شده و برای خلقهای زحمتکش ما اشک تمساح می ریزند؟ چه شده که امیسی جلاد خلق کرد - امینی نوکر امپریالیسم بختیار نوکر صفت همراه توله فراری شاه مجدداً "بفکر خلقهای محروم این مملکت افتادماند؟ در حالی که هنوز خیابانها - کوچه ها و کوهها و دشت های مهربان از خون فرزندان دلاور این مرز و بوم که بدست دار و دسته شاه خائن به شهادت رسیدماند رنگین است گمان می کنند که همه این جنایتها بفراوموشی سپرده شده است؟ خلقهای محروم مهربان ما هیچ وقت فراموش نکردماند که چگونه رژیم جنایتكار وابسته به امپریالیسم شاه برای رساندن ایران به باصطلاح دروازه های تعدن بزرگ و ادامه وضع فلاکت پارناخت و چپاول خلق توسط امپریالیستها از هیچ کوششی در جهت سرکوب خلق و ادامه خوشخدمتی به امپریالیستها فریگذار نکرد. کشتار نزدیک به ۵۰ هزار نفر در آذربایجان و کردستان در سالهای ۲۵ و ۲۶ اعدامهای دسته جمعی پسران کودتای ۲۸ مرداد و کشتار قیام ۱۵ خرداد - به گلوله بستن کارگران جهان چیت کرج در سال ۵۰ - اعدام و شکنجه های قرون وسطائی انقلابیون در سیاهچالهای آریامهری - قتل عام مردم در ۱۷ شهریور - ۱۳ آبان ۵۷ و غیره ۰۰۰ از آن جملماند. ضد انقلابیون سلطنت طلب به عیب به تک و تا افتاده و تلاش می کنند تا با استفاده از نارضایتی عمومی نسبت به حكومت ضد خلقی جمهوری اسلامی و جنایتهای جنایتکاران چنین وانمود کنند که گویا بهشت موعود را آنها می توانند به خلقهای محروم ارزانی دارند. غافل از اینکه خلق قهرمان ایران در کوران مبارزات آبدیده شده و ضمن اینکه ضد انقلاب خمینی را همانند آنها به زباله دانی تاریخ خواهد فرستاد جرات نفس کشیدن مجدد را هرگز به ضد انقلاب سلطنت طلب نخواهد داد. چرا که ضد انقلاب سلطنت طلب با ضد انقلاب خمینی وجه اشتراك فراوان دارند هر دو طرفدار سرمایه داری اند - هر دو حافظ منافع امپریالیستها بسرکردگی امپریالیسم امریکا در ایران هستند. با این تفاوت که ضد انقلاب سلطنت طلب بطور علنی روابط خود را با امپریالیستها اعلام میکرد ولی ضد انقلاب خمینی بهتر می بیند که شعبده بازی در آورده در ظاهر مرگ بر امریکا بگوید و در باطن و یواشکی سیل و وسایل نظامی و کالاهای بنجل ساخت امریکا آرواژاپن را با ایران سرازیر کند. هر دو ضد انقلاب دشمن شماره يك کارگران - دهقانان و کله زحمتکشان این کشورند و هیچ کدام لحظهای نسبت به وضع فلاکت توده های زحمتکش نمی اندیشند. هر دو ضد انقلاب فقط و فقط بوسیله ترور - خفقان و زور سرنیزه می توانند به حكومت ننگین خود ادامه دهند به همین دلیل است که خمینی جلاد ارتشی را که در خدمت شاه دهها هزار نفر را بخاك و خون کشیده بود در همان روزهای اول پسران قیام تطهیر کرد تا بتواند ابزار سرکوب را دست نخورده نگهدارد. او هیچوقت حکم جهاد علیه شاه و دار و دستهاش نداد ولی هنوز از گرد راه نرسیده حکم جهاد را علیه خلق قهرمان صادر کرد. ساواک را بخدمت گرفت. دوباره سیاست سرکوب زندان و اعدامها را در مورد انقلابیون بکار گرفت. بدین ترتیب ضد انقلاب سلطنت طلب و ضد انقلاب خمینی برآستی دوروی يك سکه اند و هر دو يك رسالت را دنبال می کنند و آن اعمال سرکوب و فریب علیه خلق و خدمت به سرمایه داران و انحصارات امپریالیستی است.

همه پنهان مبارز! کارگران و زحمتکشان

به تبلیغات هوا مفریبانه ضد انقلابیون رنگارنگ از جمله ضد انقلابیون سلطنت طلب گوش فرایند هید. اینها ما مورث دارند تا افکار عمومی را منحرف کرده امر مبارزه تا پیروزی نهائی کارگران و زحمتکشان را

بتعمیق اندازند آنها را بیرحمانه افشاء و از خود طرد کنید .
اینبار کارگران و زحمتکشان خود بایستی سرنوشت خویش را در دست گیرند . بایستی به آنهاست اعتماد کرد که نمایند ه واقعی کارگران و زحمتکشان بوده و نسبت به خواسته های خلق برنامه مشخصی داشته و در جهت تحقق آن تا آخرین قطره خون خود بیکار می کنند . برای اینکه یکبار دیگر مبارزات و جانفشانی های شما توسط دشمنان شما به کجراه کشیده نشود تنها به طبقه کارگر و گردانهای پیش آهنگ آن اعتماد کنید .
برای پیروزی حتمی متحد شوید .

کارگران لدر کمیته های مخفی کارخانه متشکل شوید
زحمتکشان لدر هسته های مقاومت محلی متحد شوید
سربازان و درجه داران و افسران جزء لبه هسته های مقاومت درون ارتش ملحق شوید
برای يك اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه آماده شوید .

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا
و پایگاه داخلیش
سرگ بر فریبکاران
مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق
سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران
کمیته کارگری شمال و آذربایجان
۱۳۶۲/۶/۲۰

پیام ورهنمود . . .

بقیه از صفحه ۴

در حقیقت دانش آموزان بعنوان بیخشی از روشنفکران منعکس کننده عده ترین گروه بندی های سیاسی در سطح جامعه هستند. این انعکاس و انطباق البته به هیچوجه نه بمعنای انطباق نیست. و در حد شخص گروه بندی های دانش آموزی است. گروه بندی های احتمالی از نقطه نظر قدرت و تعداد آنها، بلکه بدین مفهوم است که همان گروه بندی های سیاسی که در جامعه وجود دارد، کامیاب ترین دانش آموزان (به ویژه در سالهای بالاتر) نیز وجود دارد.

ایرادی که ممکن است در اینجا گرفته شود اینست که تقسیم بندی فوق، چرا که با تقسیم بندی طبقاتی در جامعه مطبق نیست در جواب باید گفت که علت در سطح رشد مبارزات در عرصه جامعه نهفته است و افست نسبی این مبارزات. یعنی درست است که تقسیم بندی به طبقات پایه ریشه ای گروه بندی های سیاسی است و این درست است که در تحلیل نهائی تقسیم بندی به طبقات تعیین کننده و گروه بندی های سیاسی است اما این پایه ریشه ای فقط در حرکت تکامل تاریخی و همراه باشد هر چه بیشتر آگاهی کسانی که سازنده این تکامل تاریخی هستند کاملاً آشکار میشود. و مبارزه سیاسی و طبقاتی حادث است که شکل نهائی بان می بخشد.

البته اگر کسی بیشتر وقت کنیم خواهیم دید که در همین تقسیم بندی و گروه بندی صف بندی و گرایشات طبقاتی قابل تشخیص هستند. مثلاً بی تفاوتی و آکادمیسم ها که نزدیکی زیادی بایکدیگر دارند اکثر از اقلیت متوسط و بالای خرد و بهر و از میشل هستند که بار شد مبارزات اقلیت بالا هر چه بیشتر سمت انزوا و منفرد شدن پیشرفته و اقلیت متوسط بیشتر به مبارزه صنفی و حتی سیاسی روی خواهند آورد. در مورد هواداران گروه های خرد و انقلابی کمونیست، سلطنت طلبان و همچنین طرفداران هواداران رژیم نیز که گروه بندی ها بسیار منطبق بر صف بندی های سیاسی و طبقاتی در جامعه است.

در مجموع اما، کاملاً نشان داده شده که اکثریت دانش آموزان نسبت به مسائل صنفی به این یا آن درجه در حرکت های صنفی شرکت میکنند (میزان و درجه آن بستگی زیادی به همان صف بندی های سیاسی و طبقاتی دارد).

در بین این گروه بندی هائیکه هواداران گروه های خرد و انقلابی کمونیست در حرکت های سیاسی علیه رژیم در مقطع کنونی بخاطر اقلیت نسبی مبارزات البته بشکل محدود و بار شد جنبش بطبقاتی فعالیت - حاضر بعمل بقیه در صفحه ۱۰

جنبش و حرکت های دانش آموزی حتی در ابعاد صنفی و صرفاً آکادمیک نیز تفاهت نشان میدهد و در آنجا شرکت نمی کنند. ۲- آنهایی که مالک آکادمیسم ها را میدهند که تنها صرفاً حاضر به شرکت در حرکت های هستند که بگیری مسائل صنفی و آموزشی و آکادمیک را در چارچوب مدارس و عمدتاً متحد معینی در دست خود دارد. ۳- مخالفین هرگونه حرکت از سوی دانش آموزان که اساساً از طرفداران رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران انجمن اسلامی مشکل هستند. ۴- هواداران حزب توده و اکثریت که جز حامیان رژیم عمل میکردند و اکنون بخش زیادی از آنان به خاطر سرکوب شدن و تحولات جدید، حالت منزوی و منفرد یافته و به جمع بی تفاوتی پیوسته اند. بقیه آنها همچنان بطرفداری خود از رژیم ادامه میدهند. در میان هواداران اکثریت و حزب توده در حد معینی در حرکت های کاملاً متحد و صنفی شرکت میکنند و در مجموع میتوان هواداران این دو جریان را در مقطع کنونی در گروه بندی حامیان رژیم (مورد ۳)، آکادمیسم ها (مورد ۲) و عمدتاً در گروه بندی ۱ یعنی بی تفاوتی مشاهده کرد. ۵- اپوزیسیون ضد انقلابی (ضد انقلاب مغلوب و بهر و از میشل) که به هیچوجه حاضر به شرکت در مبارزات و حرکت های خردی ترقی نبوده و اهداف خود را دنبال میکنند که عبارتست از بخش شایعات سلطنت طلبی و اشاعه روحیه یاس و انتظار برای کودتا. . . در حد معینی از این گروه در حرکت های صنفی متحد و شرکت میکنند ولی عمدتاً نسبت به حرکت های صنفی بی تفاوتی نشان داده و کاملاً با حرکت های سیاسی مخالفند. ۶- سیاسی های هواداران نیروهای خرد و انقلابی که خود به دو بخش تقسیم میشوند: الف- در کنار آنها ب- کمونیستها که موافق و خواستار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند و در حرکت های صنفی فعال و در مسائل سیاسی نیز جبهه گیری دارند هر چند که بخاطر اقلیت نسبی مبارزات در سطح جامعه و بهر و از میشل در حرکت های سیاسی عده ای در مدارس صورت نمیگیرد.

همانطور که گفتیم این گروه بندی ها عمدتاً هم بر اساس جریانات سیاسی و هم از نظر میزان و چگونگی شرکت افراد در حرکت های صنفی - آکادمیک و سیاسی بوده است.

در سطح کل جامعه میباشد. در امر تبلیغ انقلابی اما توجه بیک نکته فوق العاده اهمیت دارد اینکه محور قرار گرفتن تبلیغ برای افشای رژیم و ضرورت سرنگونی آن امروز سبب کننده شدن اکثریت عظیمی از مردم در سطح جامعه و همچنین توده های دانش آموز از رژیم جمهوری اسلامی به محور قرار گرفتن تبلیغی و ترویجی حول نحوه سرنگونی و آنچه باید جایگزین این رژیم شود تکامل یافته است. در امر چگونگی پیشبرد امر تبلیغ سلسله مقالات تبلیغ و نقش آن، آرگان سازمانی و نقش آن و خطاب به مبلغین میتواند دستمایه مناسبی برای روش های تبلیغ بدست رفقان باشد.

۳- رفقان میباید سیاست های معینی را در جهت انزوا و باز هم بیشتر عوامل انجمن اسلامی و جاسوسها به پیش برند. برخی از برنامه های اجباری و حتی غیر اجباری و لسی مورد تشویق مسئولین و عوامل مزدور رژیم با توجه به روحیه و آمادگی دانش آموزان مورد تحریم قرار دهند. در این رابطه رفقان میتوانند در جهت ایجاد تیم های ورزشی و فعالیتهای فوق برنامه صنفی ولی مستقل برای بسیج توده دانش آموزان حرکت نمایند، حرکت هایی که اغلب بدون حضور مزدوران انجمنی و سایر عوامل رژیم قابل تحقق بوده و عده زیادی از دانش آموزان را بسیج میکند.

۴- رژیم بسیاری از دانش آموزان ناآگاه را به کمک تبلیغات فریبکارانه خود به صلح جبهه های جنگ ارتجاعی میکشاند و حتی اخیراً عده داندن قبولی به تجدیدی های شهریه را در صورت رفتن به جبهه داده است. بایستی وسیعاً علیه جنگ ارتجاعی و اینگونه سیاست های جنایتکارانه رژیم تبلیغ کرد و از پیشبرد سیاست های آن مانع بعمل آورد.

۵- نکته حائز اهمیت وضعیت نیروها و گروه بندی بیاد مردم است. در حقیقت دانش آموزان نمیتوان بچند گروه نسبتاً مشخص تقسیم نمود و اگر نخواهیم از ارزشه میزان و کیفیت شرکت افراد در حرکت های صنفی و سیاسی دانش آموزان تقسیم بندی کنیم به موارد زیر برخوایم خورد:

۱- بی تفاوتی. آنهایی که نسبت به

هستند در عین حال که فعالانه از هم اکنون در حرکتهای صنفی شرکت میکنند، و در این بین نیز کمونیستها و بیوزده هواداران سازمان بایستی نقش درجه اول را ایفا کنند. این گروه بندی بایستی ضمن تحکیم اتحاد عمل بین فعالیتهای صنفی و سیاسی خود (البته با تزسیم خط و مرزهای معین سیاسی و تشکیلاتی) بخش وسیعتری از دانش آموزان را که کامیابش پتانسیل کشیده شدن به فعالیت صنفی و همچنین سیاسی را دارند (و بعد تا از پایگاه خود به بیوزواری متوسط میاشند) بکشانند و ترغیب کنند. رشد مبارزات قطعاً بتدریج گروه بندی هارابه بی تفاوتیها و منفرد شده ها، مخالفین سرسخت و واقعی رژیم برهبری کمونیستها و موافقین سرسخت رژیم (که در اقلیت مطلق هستند) سوق خواهد داد.

پیام و رهنمود . . .

بقیه از صفحه ۹

مقاومت مدرسه مشکل از سایر نیروهای مبارز و انقلابی و هواداران و صحنه های گروه های شرقی و انقلابی دیگر و ارتباط با اینگونه عناصر عمل کنند. اینکار سبب خواهد شد تا در صورت بروز مشکل اضتی و خطری برای کشته صنفی تنها فرد یا افراد معدودی از هته سرخ هواداران سازمان دچار مشکل شوند.

البته در اینجا ممکن است يك دیدگاه مکتورستی شکل بگیرد که گویا در همه و هر گونه شرایط اقدام به سازماندهی انقلابی و مکتورستی صنفی مقاومت و همچنین پیشبرد امر مبارزه را منوط و مشروط بوجود يك یا چند هته سرخ هواداران سازمان بعنوان يك پیش شرط میاشند در حالیکه این درك درستی نیست. چرا که در مدارس یا مناطقی ممکن است مابهرعلتی (از جمله پراکندگی یا نبود نیروی ابتدایی یا کم مشکلات دیگر) قادر به ایجاد آن هته سرخ نباشیم و بهیچوجه هم نباید تا تشکیل چنین هته سرخ منجیمی منفعلی از مبارزه ماند. در این شرایط یعنی در حالیکه فقد آن نیرو و شرایط لازم برای شکل دهی هته سرخ مدرسه وجود دارد مابایستی فعالانه بدنیال تشکیل کشته صنفی مقاومت با سایر عناصر مبارز باشیم.

البته تذکر یک نکته در اینجا لازمست که بهررو این دو وظیفه یعنی تشکیل هته سرخ منجیمی و ایجاد کشته صنفی مقاومت بعنوان يك آرگانسیم سازماندهی متبلور کنند و اتحاد عمل، برای پیشبرد مبارزاتی موفق الزامی است و این دو وظیفه در راستای

سطح بالاتر مبارزات صنفی و سیاسی در مدارس مناطق پائین و زحمتکش نشین به نسبت مناطق مرفه نشانگر تاثیر تعیین کننده و نهائی صف بندی طبقاتی در نحوه عمل و فعالیت صنفی سیاسی دانش آموزان است.

۶- باتوجه به این گروه بندیها مابایستی هدف اولیه سازماندهی ما در مدارس تلاش در جهت تحکیم گروه بندی سیاسی سازمان خودمان باشد تا هرچه بیشتر از پراکندگی کاری جلوگیری شده و يك یا چند هته سرخ منجیمی و قوی از هواداران تشکیل گردد. اینکار باتوجه به اعتماد مبارزاتی که در جریان مبارزات گذشته بدست آمده و با يك آشنایی های قبلی، عملی شدنش است. در همین رابطه مابایستی تقسیم کاری در هته سرخ بوجود آید تا کارهای مربوط به تکثیر، توزیع صنفی و . . . شمارنویسی و . . . تهیه تراکت اعلامیه مناسب به پیش رود. ضمناً برخی از رفقای هته سرخ مابایستی مسئولیت یابند تا در جهت ایجاد کشته صنفی

هم و نه در نقطه مقابل هم، قرار دارند. در هر شرایط، اما وظیفه مابعضان - هواداران و سمیات سازمان تلاش در جهت قبولاندن و اثبات نظریات و تأکیدهای روشهای مبارزاتی برنامه سازمان است. ضناتوجه داشته باشیم که این تشکیلات میتوانند در جریان رشد مبارزه انقلابی در سطح جامعه و در مدارس وظایف خطیری در رشد شهرهای کنترل و اداره را بدست گیرند.

۷- اتحاد عمل با سایر نیروهای انقلابی چنانکه گفتیم، ضرورت صرم این مرحله از جنبش است. اما این اتحاد عمل بدو زمینه سازی لازم و جلب اعتماد آنان در مورد حسن نیت و صداقت مبارزاتی ما و صحت نظریاتمان ممکن نیست به پیش برده شود. این اعتماد را در جریان مبارزه در سطح پائین تر و حتی صنفی مابایستی بنا کرد و برای فعالیت های سیاسی مشترک زمینه مناسب بوجود آورد. البته اتحاد عمل مانتهاد ضرورتی ممکن و مجاز است که در راستای مواضع و ایده های سازمانی بوده و بالا اقل ناقصی برنسیبهای آن نباشد. همانطور که بدیوش حتی و اساس نظریات مانسیبیشی پیش فرض شرکت در يك مبارزه مشترک باشد. بهررود را اینجا باید شدیدا با هرگونه سکتاریسم و پوپ روی و راست روی در حرکتها مبارزه قطعی و قاطع کرد.

۸- معلمین و سایر مربیان شرقی نقش فعالی در جریان سرتکونی رژیم شاه و مبارزات دانش آموزان در گذشته و حتی پس از قیام بهمین ۷ علیه رژیم کنونی داشته اند. از همینجاست که رژیم بسیاری از معلمین و مربیان و دبیران شرقی و مبارزات صنفی های دسته جمعی از مدارس اخراج نمود تا قدرت و شتاب مبارزه در مدارس را کاهش دهد. بهررور یکی از بهترین وظایفی که در دستور قرار دارد تلاش برای ایجاد هته

رفقا! هواداران!

برنامه عمل سازمان را بهتر طریق ممکن به میان آورده ها بگردید

- البته و توزیع تراکت ها و اعلامیه ها معائن موجود در برنامه طرا برای تدوینها بازگو کنید.
- با تکثیر تمهات مختلف برنامه عمل تهیه هارای برنامه و نظرات سازمان آشنا سازید.
- باتوجه متون توضیحی مواضع سازمان را که در برنامه عمل ممکن است برقی توضیحات توضیح دهید.

فوق العالیست، قبلا در کمیته خود را که مسئولیتش میدهد و بهتباریخ در برنامه عمل

سازمانی بپیر طارید

زندانی سیاسی به قدرت توده ها آزاد باندگردد



پیام و رهنمود . . .

بقیه از صفحه ۱۰

زحمتکش نشین و کارگری) کارگران هواداری که در هسته سرخ هستند و با همراهِ سایر نیروها عناصر مبارزو آگاه در کمیته های مخفی مقاومت محلی متشکل شده اند و در اینجا به پیچیده هسته سرخ و کمیته مخفی مقاومت لازم نیست تنها و تنها از کارگران پاتنها از حشکشان پاروشنفران انقلابی تشکیل شده باشد، در کارخانه ها و واحد های صنعتی که مشغول بکار هستند نیز هسته سرخ کارخانه و یا احتمالاً در کمیته مخفی اعتصاب کارخانه به همراه کارگران مبارز هوادار گروه های شرقی و انقلابی دیگر و سایر عناصر مبارز متشکل یافته اند .

اینجاست که مبارزات يك کارخانه به سرعت به مبارزات يك محله و شهر يك منطقه و . . . و به مبارزات مدارس و دانش آموزان و معلمین شرقی و انقلابی میتواند و باید پیوند بخورد .

رفقای دانش آموز! معلمین رزنده!

حال که بحران سیاسی و اقتصادی ابعاد و خییی بخود گرفته و تضاد های رژیم برستراین بحرانها بر شد مبارزات توده ای در مانده اش ساخته ، حال که افت موقتی میروند تا پایان پذیرد و مبارزات توده ای - ابعاد گسترده و گوینده ای بیهاد حرکت در راستای شکل دهی اعتصاب عمومی سیاسی (از جمله اعتصاب در مدارس) و تدارك قیام مسلح توده ای در دستورات . بایستی در عین بکارگیری رهنمود های فوق بیشتر سن سعی را در ایجاد تشکلهای انقلابی هر چه پرنفوذ تر و با بردن قدرت بسیج توده دانش آموزان و روحیه انقلابی آنها و ایجاد زمینه مناسب برای جذبشان حول شعارها و پرچم پرولتری و برنامه انقلابی سازمان بعمل آورد . این کار میسر نیست مگر با برنامه ریزی دقیق و بیگیری انقلابی و کوششی همه جانبه .

رفقای دانش آموز! معلمین رزنده!

به همراه بیگیری و وظایف انقلابی خویش سازمان را در جریان فعالیتها و گزارشات خود از مدارس قرار دهید تا بکم آنها قادر رسد اراده رهنمود های عملی و انقلابی باشیم .

متشکک با اتحاد و همستگی دانش آموزان و معلمین مبارز ایران هر چه گسترده تر یابد پیوند جنبش دانش آموزی با جنبش کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دگرگرنیک خلق

مجدی بعمل آورد و از همین لحظه نیز باید به فکر یافتن راههای مناسب بود .

۱۰ - پیونده در شرایط فعلی که جامعه سیاسی است باید سعی نمود پیوندی هر چه وسیعتر بین مبارزان دانش آموزان و توده ها ایجاد نمود . در این جهت باید روندی در گانه رایبه پیش برد . از سوسی باید مسائل توده ها را وسیعاً و بشکلی ملموس با مبارزات دانش آموزان گره زد . باید مسائل کارگران و زحمتکشان را وسیعاً در مدرسه تبلیغ نمود . باید بطور مشخص نشان داد که شورش رژی که آنان را سرکوب میکند ، جز اختناق را در مدارس حاکم نمگرداند و از هر گونه حرکت آنان میخواهد جلوگیری کند ، همان رژی است که کارگران و زحمتکشان پدران و مادران آنها و توده های خلق را تحت فشار قرار میدهد و موجبات فقر و فلاکت عمومی ، جنگ و . . . را فراهم ساخته است . از سوی دیگر باید مسائل و مشکلات دانش آموزان و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم را در مدارس بجهان توده ها برود . در این مورد تبلیغ این مسائل در خارج از مدرسه ، در محلات ، در میان خانواده ها که هر يك به نحوی با مسائل فرزندان دانش آموز خود مواجه اند ، بسیار موثر و ضروری است .

کلیک و همیاری بخانواده های زندانیان سیاسی و شهید ای خلق و همکلاسی های انقلابی با رعایت مسائل امنیتی نیز از اهم وظایف ماست .

۱۱ - همانطور که فوقاً گفتیم کار مبارزاتی دانش آموزان مبارز و انقلابی به پیچیده نیبایستی محدود به کار در مدرسه باشد . بلکه هر رفیق هوادار سازمان متشکل در هسته سرخ مدرسه در محله و منطقه مورد نظر خود نیز میتواند حتی المقدور باید جزئی هسته سرخ آن محله یا منطقه بود و بدان نحو نیز مبارزات خود را ادامه دهد . درست بهمان گونه که در مورد رفقای متشکل در يك کمیته مخفی مقاومت در يك مدرسه و در يك محله صادق است .

با اتخاذ رعایت این روشها و اشکال سازماندهی است که پیوند واقعی و مادی بین مبارزات کارگران و زحمتکشان و دانش آموزان و سایر انقلابیون شکل گرفته و رقم خواهد خورد . این مسئله بویژه زمانی روشن میشود که بیاد آوریم در هر مرحله (بخصوص محلات

سرخ بین معلمین هوادار سازمان و همچنین کمیته مخفی در بین عناصر مبارز و شرقی معلم است . اما در همین حال بایستی برای ایجاد پیوند مستحکم تری بین معلمین و دبیران مبارز و شرقی و دانش آموزان شرقی و انقلابی و مبارزات دبیران در مدارس و همچنین کل مبارزه در سطح جامعه تلاش جدی نمود . در این راستا معلمین شرقی و مبارز و دانش آموزان انقلابی میبایستی از دو طریق با آرزاه ارگانیک های سازمانی و از طریق اعتماد متقابل که در جریان مبارزه نسبت بهم یافته اند ، باید یک ارتباط گرفته و مبارزات خویش را هماهنگ سازند .

۹ - مبارزه در مدارس و مبارزه در سطح جامعه بطور کلی تنها در صورتی بموفقیتها ی اساسی خواهد رسید که هر چه بیشتر جنبه گسترده و همه گیر و همه جانبه بیاورد . در این رابطه برقراری پیوند بین مبارزات دانش آموزان و معلمین مبارز در مدارس مختلف - میبایستی حتماً به پیش برد شود .

مکانیزم عملی این کار مانند آنچه فوقاً گفتیم یا از طریق مکانیزمهای سازمانی و تشکیلات سازمان است یا از طریق آشنایی های مبارزاتی قبلی بین معلمین و دبیران شرقی مدارس مختلف یا دانش آموزان مبارزی که در استان و رفقای مبارزی در سایر مدارس دارند . بلكه این ارتباطات که میبایستی با رعایت کامل ضوابط امنیتی صورت گیرد و گرنه در صورت وقوع ضربه ، ضربه فقط بیک مدرسه محدود نخواهد ماند (مانند مبارزه حول خواستهای مشخص هیئگاه الزاماً در سطح يك مدرسه محدود نخواهد ماند و تازه از طریق این ارتباط - است و گسترش منطقی و مبارزاتی آن ، پیوند مبارزات مدارس با مبارزات در سطح کارخانه ها ، محلات ، روستاها و . . . و به طور کلی در سطح جامعه بهتر متحقق خواهد شد .

رفقای دانش آموز و معلمین مبارز مسلماً باید بخاطر داشته باشند پیوند رزنده ای را که بین مبارزات آنان و دانشجویان در جریان سرنگونی رژیم گذشته بوجود آمده . برقراری این پیوند آنطور که باید و شاید هر چند در شرایط کنونی بانوجه به وضعیت دانشگاہها محتمل نیست ولیکن در صورت ایجاد امکان بایستی در این راستا اقدام

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



اتحادیههای کاری تحقق نمی یابد و در کشورهای که شرایط اختناق حاکم است تشکلهای خاصی بخود میگرد.

هرچند که سندیکا و اتحادیه بمثابة یک تشکل صنفی در بسیاری از جوامع توسعه یافته (اروپا و آمریکا) مشروعیت قانونی کسب نمود مانند حتی جنبش طبقه کارگر در تروم و خوش قادر گردید به در جوامع تحت سلطه آمریکای لاتین نظیر برزیل، بولیوی و شیلی و غیره... به این تشکل هادست یابد، چگونه ای که اخیرا شاهد آن بودیم که چگونه کفدراسیون اتحادیه های کارگران مس شیلی با دعوت به یک راهپیمایی ضد دولتی قادر گردید دهها هزار نفر را خیابان ها کشد، و این نمونه هابیانگران است که در بسیاری از جوامع کانون تشکل سازمانیابی توده ها از طریق این تشکلهای صنفی - ملنی صورت میگیرد. ولیکن این روند در - نامی کشورهای یکسان قابل استفاده نبوده و در جوامعی که این تشکلها غیر قانونی میباشند، توده های اشکال نونسی از سازماندهی رویی آورند که در ضمن پاسخ - گوئی به ضروریات مبارزه روزمره کارگران با شرایط ویژه آن جامعه نیز منطبق میباشند.

نمونه یک چنین تشکلهای توده ای را ما در جنبش انقلابی روسیه در حدود ده سالهای ۱۹۰۱ - ۱۹۰۲ شاهد هستیم. در این زمان لنین در "چه باید کرد" در تحلیل بسیار جریانی که در روسیه آنزمان در پی کسب حقوق قانونی برای فعالیت تشکلهای صنفی کارگران (از قبیل سندیکا و اتحادیه) بودند، با اشاره به نقش استبدادی رژیم تزارو "اینکه هرگونه اتحادیه های کاری و هرگونه محفلی ممنوع است و نمودار عمده مبارزه کارگران یعنی اغتصاب بطور کلی جنایت و گاهی هم جنایت سیاسی!" محسوب میشود، چنین نتیجه گیری مینماید که "پس ما بوسیله مجاز ساختن نمیتوانیم مسئله ایجاد یک سازمان حرفه ای را که حتی المقدور دارای پنهانکاری کمتر و وسعت بیشتری باشد حل نمائیم... تنها راه حلی که باقی میماند سازمانهای پنهانی حرفه ای است و ما باید بکارگرانیکه هم اکنون در این راه قدم میگذارند همه نوع یاری و مساعدت نمائیم. سازمانهای حرفه ای نه فقط میتوانند فایده هنگفتی در امر توسعه و تحکیم مبارزه اقتصادی رسانند بلکه میتوانند دستیاران مهمی هم برای - تبلیغات سیاسی و تشکیلاتی انقلابی شوند."

جو اختناق و سرکوب جلوتشکل کارگران را در سندیکا و اتحادیه میگرد و این تشکلهای را شدت سرکوب مینمایند، پرولتاریا میتواند با دستیابی به اشکال نونسی از سازماندهی توده ای به این امر پرداخته و مبارزه کارگران را تداوم و استحکام بخشد.

در شرایط خود ویژه جامعه ما، گذشته از ضعف تاریخی جنبش کاری که نتوانسته است ارگانهای توده ای نظیر اتحادیه و سندیکا را بصورت نهاد در آورد (بررسی این موضوع در این محاطر نیست)، اختناق و سرکوب عنان گسیختن سازمان ایجاد هر گونه تشکیلات صنفی علنی را بمثابة کانسون سازماندهی کارگران از میان برداشته است. در چنین شرایطی که حتی هرگونه حق طلسمی ابتدائی کارگران بمثابة "گناه کبیره" علیه رژیم محسوب شده و شدت سرکوب میشود، در پی کسب اجازه قانونی بودن برای بوجود آوردن تشکیلات صنفی - علنی و غیر سرکوب مبارزات جاری کارگران از طریق آن، سرای بیش نیست. در همین حال بدلیل شرایط ویژه جامعه و نبود تشکیلات صنفی - توده ای کارگران، امری ضروری مبارزات جاری و نیز تبلیغ، ترویج و وسیع توده های کارگرا نمیتوان بطاق نشان سرد. آنچه که لازم است شناخت از این ضعف تشکیلاتی کارگران و پیدا کردن آن اشکال تشکیلاتی است که بر این ضعف فائق آید. یعنی تشکیلاتی که بتواند ضمن دربرگیری ویژگیهای دیگر وظایف تشکیلاتی اتحادیه ها و سندیکاها را به انجام رساند.

۱- عدم وجود پیوندی مستحکم میان سازمان پیشاهنگ پرولتاریا و طبقه

چگونگی پیوند میان سازمان پیشاهنگ طبقه با طبقه کارگر در جنبشهای کونیستی کشورهای مختلف، ضمون و اشکال خاص این پیوند را آشکار میسازد و بقول لنین "در کشورهاییکه آزادی سیاسی وجود دارد فرق وجود دارد فرق بین سازمان حرفه ای و سیاسی کاملا روشن است، همانطور که فرق بین تریه یونیونها و سوسیال دموکراسی روشن است. مناسبات اخیر بسیار اولی ها بدیهی است که در معالک گوناگون، بر حسب شرایط تاریخی و حقوقی و شرایط دیگر بطور ناگزیر تغییر شکل می یابد و این مناسبات ممکن است کم و بیش نزدیک، پیچیده و غیره باشد." (لنین - چه باید کرد).

پیوند میان سازمان پیشاهنگ و طبقه در جوامع مختلف اشکال خاص خویش را - می یابد. در جوامعی که تشکلهای صنفی کارگران از قبیل اتحادیه ها و سندیکا هاجنه قانونی یافته اند، اعضا سازمان پیشاهنگ طبقه (چه این سازمان پیشاهنگ قانونی باشد چه غیر قانونی) امکان آنرا می یابند که

ملاحظات

بقیه از صفحه ۶

باشکرت در این قبیل تشکلها ضمن شرکت در مبارزات روزمره کارگران وسیعی در سمت و سورهی به مبارزات آنان، در ارتباط نزدیک با توده های کارگران قرار گرفته و با بردن آگاهی های سوسیالیستی و علم مبارزه طبقاتی و برنامه حزب بدرون صفوف طبقه کارگر با جذب عناصر پیشرو و کارگری صفوف سازمان پیشاهنگ را منجم تر نمود و بدین ترتیب پیوندی مستحکم میان پیشاهنگ و طبقه برقرار میسازند. ولیکن هنگامی که تشکلهای حرفه ای کارگران غیر قانونی اعلام میگردد و کانون مبارزات کارگران در این قبیل کشورها از تشکلهای علنی به تشکلهای مخفی توده کارگران انتقال می یابد ضرورتا در نوع پیوند و اشکال ارتباط میان سازمان پیشاهنگ و طبقه نیز تاثیر گذاشته و سازمان پیشاهنگ را موظف میسازد که از طریق همان تشکلهای مخفی ای که توده کارگران در آن سازمان می یابند به گسترش ارتباط میان خود و طبقه بپردازد.

اگر سازمان پیشاهنگ طبقه در جوامعی که پرولتاریا به سندیکا و اتحادیه های کاری دست یافته است، موظف است به هر طریق ممکن با فرستادن و گسیل داشتن نیروهای خویش به درون این تشکلهای به تبلیغ و ترویج افکار سوسیالیستی و برنامه حزب پرداخته و با جذب عناصر پیشرو و کارگری و رهبری مبارزات کارگران و مهمترین پیوند را با جنبش کارگران ایجاد نماید، نبود چنین تشکیلاتی در نظر یک سازمان پیشاهنگ نمیتواند بمثابة توجیهی جهت بی عملی و عدم پیوند با توده های کارگر باشد. زیرا چنانچه گفته شد پیوند میان سازمان پیشاهنگ و طبقه کارگر بر حسب شرایط تاریخی و حقوقی و شرایط دیگر بطور ناگزیر تغییر شکل می یابد و در "معالک گوناگون" ممکن است کم و بیش نزدیک، پیچیده و غیره باشد.

بدین ترتیب روشن میگردد که منوط کردن پیوند میان سازمان پیشاهنگ و جنبش طبقه به ایجاد تشکلهای نظیر سندیکا و اتحادیه چیزی جز توجیه بی عملی و اپورتونیسم نخواهد بود.

اما ضعف پیوند پیشاهنگ با طبقه فقط بعلمت عدم وجود تشکلهای توده ای کارگران نیست، ضعف پیشاهنگ نیز خود یک - ساله است. پیوند رابطه ایست مابین این دو (والیه از سوی پیشاهنگ)، ضعف هر یک بردگیری بقیه در صفحه ۳

ودره گز در منطقه دیواندره حمله کرده و روستائیان را زیر آتش توپ و خمپاره میگردانند. در این درگیری پیشمرگان به کمک زحمتکشان منطقه که فعالانه در جنگ شرکت داشتند پس از ۱۶ ساعت دشمن را از منطقه فراری داده و منطقه را تحت کنترل خود میگیرند. در این نبرد ۲۰۰ تن از مزدوران رژیم به هلاکت رسیده اند و یک عدد خمپاره انداز، یک قبه آره بی، جی، ۲، قبه تبریا قاسم همراه با فشنگ، ۳، قبه گلشینک، یک قبه کلت، یک عدد بی سم و تعدادی - خشاب و - ۳ و گلشینک بدست پیشمرگان افتاد. در این نبرد ۶ تن از پیشمرگان حزب دمکرات و کوطله به شهادت رسیدند.

۴ تن از مزدوران بدست پیشمرگان می افتند که در میان آنها یکی از مسئولین سپاه ارومیه شناسائی میشود و ۶ نفر از افراد سپاه وسیج به اسارت پیشمرگان درمی آیند. غنایم بدست آمده عبارتند از: قبه تفنگ و - ۳ و گلشینک ۴ عدد بی سم، سی عدد خشاب و - ۳، - تعدادی نارنجک دستی، یک قبه موشک انداز آره بی، جی، ۴ عدد موشک آره بی، جی، ۱۰۲ عدد فشنگ روزن و ۱۰۰۰ عدد فشنگ و - ۳.

روز ۲۱ مرداد ساعت ۱۲ شب نیروهای ارتش و سپاه همراه با جاسپهای خود فروخته به مقر پیشمرگان واقع در روستاهای کبک کش

جنبش انقلابی . . . بقیه از صفحه ۸

موفق میشوند دشمن را از روستای کوه پائین تاروستای کوه بالا به عقب نشینی وادار کنند و ساعت ۱۱ قبل از ظهر روز نهم هم مرداد منطقه را بطور کامل ارجوود دشمن پاک میکنند. وسعت درگیری بعدی بود که فقط ۱۹ آمبولانس مجروحان و کشته شدگان را از منطقه بیرون میبرد. در این جنگ نابرابر ۳ پیشمرک حزب دمکرات و ۲ تن از روستائیان کوه بالا به شهادت رسیدند پس از پایان درگیری مردم دست به تظاهرات و راهپیمائی علیه رژیم میزنند. همچنین جسد

قوی که از مارکسیسم - لنینیسم داشت به عضویت سازمان و عضو کمیته گردستان سازمان درآمد و توجه به توانائیهای که در وی وجود داشت مسئولیت سیاسی تشکیلاتی تیم را نیز عهده دار بوده است. اما یکسال پیش این رفیق ارزنده بعد از زخمی شدن در جریان درگیری و خلع سلاح گروهان ضربت پایگاه حر سقز بعد از سه روز در بیمارستان شهید شهید شد. هرچند هم از دست دادن چنین رفیقی برایمان سنگین است اما در اولین سالگرد شهادتش عهد میبندیم این غم را به نیروی، برای مبارزه بشوید او و در ادامه راه او تبدیل نمانیم و تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق ازبای نخواهیم نشست. یادش گرامی و اهش بر رهرو بسازد

به نقل از ریگای که ل شماره ۸

همیشه در صف اول مبارزه بود زیرا قلبش همراه توده هامیپیید. او در سختیها پیشقدم بود زیرا خود را سرباز کوچک انقلاب میدانست.

رفیق شهید انور اعظمی در جریان زندگی تشکیلاتی خوش همچون یک کمونیست در تمام جنبه هادرون تشکیلات و خارج تشکیلات علیه دشمنان قسم خورده سازمان زحمتکشان و ملتگرد سرسختانه مبارزه مینمود. او با سرسختی در استراتژی و انعطاف در تاکتیکها فروتنی و قدرت منطقی، اعتماد بنفس و غرور شدن، بیزار ازنده و زاری و اصولی بودن، آگاهی و ایمان به توده ها که از خصوصیات بارز وی بود در جهت پیشبرد خط اصولی سازمان بر مشکلات غلبه و هیچ مانعی را در این راه یاری مقاومت در برابر وی نبود.

رفیق انور با توجه به خصوصیات و درک

رفیق انور . . . بقیه از صفحه ۱۴

به زحمتکشان و استثمار شوندگان و نفرت عمیقی نسبت به دشمنان طبقه کارگر داشت. او با قدرت تبلیغی که داشت در میان زحمتکشان کرد بخصوص مناطق سقز و بوکان از محبوبیتی خاص برخوردار بود. زحمتکشان سقز بیاد دارند انور را چگونه در میتینگهایی که در محل تجمع آنان بیرون هیچ برنامه قبلی تشکیل میداد و زبان آنها از پروردنچ آنها صحبت میکرد و راه علاج را به آنان که همانا شکل بود و رهنمود میداد. به یاد دارند نقش ارزنده او را در تشکیل کانون کارگران بیکار شهر و از خود گذشته گشتکی هایش در رابطه با بالابردن سطح آگاهی آنان او

مواضع . . . بقیه از صفحه ۱۴

بودند مسلح شدند، و هنگام تحویل سلاحها با فریاد درود بسر فدائی، زنده باد سوسیالیسم احساسات خوشایمان داشتند. و همچنین یکی از رفقای آموزشی به نمایندگی از طرف رفقای دوره اظهار داشت باید آنکه بتوانیم با ابزار و فدائیکاریهای خوش لیاقت نام فدائی را داشته باشیم. به دستاوردهای - آموزش با وجود فقر درگی اش اشاره کرد و - بار او بهای سیاسی نظامی تشکیلاتی آنها برشمرد. برنامه با سرود سازمان و سرود - های ملی و ابزار احساسات مردم روستا و شلیک تیرهای هوایی پایان پذیرفت لازم به توضیح است در این دوره عده ای از رفقای هوادار سازمان در شهرستانهای دیگر ایران که ارتباط آنها قطع شده بود و از طریق شاخه گردستان توانسته بودند ارتباط برقرار کنند پس از طی آموزشهای سیاسی و نظامی و تجدید ارتباط مجدداً تشکیلات عازم حوزه های مأموریت خسور شدند.

بقیه از صفحه ۱۴

او در تمامی این مدت سجل فدائیکاری و صداقت و انضباط کمونیستی بود، علاقه او به فنون نظامی بعدی بود که در کمتر مدت زمان ممکن توانست در عملیات گوناگون مسئولیت دسته های عملیاتی را بعهده بگیرد، رفیق کاندیدای عضویت در سازمان و فرمانده نظامی دسته های پیشمرک بود. سرانجام در تاریخ ۳۰ / ۵ / ۱۳۶۱ طی یک تهاجم دلاورانه به نیروهای سرکوک گرد در بلغلوجه - بخند و کندی سینه بر مهرش امواج گلوله های پاسداران ارتجاع و سرمایه قرار گرفت.

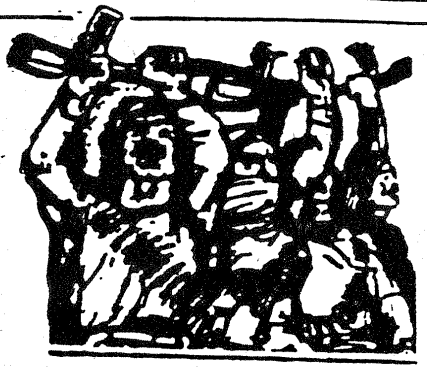
یادش گرامی و اهش بر رهرو بسازد.

به نقل از ریگای که ل شماره ۸

رفیق جواد . . .

در نبردهای دلاورانه، از جنوب گردستان تا شمال آن به بیسوت رسانده کارگزاران ای بود که طعم تلخ استعمار را در رژیم شاه بخوشی چشیده بود و برای رهائی از یوغ آن بمبارزه برخاسته بود، شهرو اشتیاق زائد الوصف او به رهائی کارگران زحمتکشان آنچنان بود که پس از سرنگونی شاه نیز به مبارزه بیکم خود ادامه داد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را مدافع راستین ارمانش میدانست. و بدین منظور فعالیت خود را پس از خیانت رفیقهای موسوم به اکثریت نیز در سازمان ادامه داد، در بهار سال ۱۳۶۰ به هرمزگان فدائی خود در جنوب گردستان پیوست و نقش فعال خود در جنبش انقلابی خلق کرد ایفانمود.

حما و دان ناد خاطره همه شهیدان بخونه خفته خلق



جنبش انقلابی خلق کرد

اخبار این ستون مربوط به عملیات نیروهای پیشمرگ خلق کرد و جریان‌ات سیاسی درگیر مبارزه علیه این رژیم در کردستان چون سازمان ما، کومه و حزب

دکرات است که اخبار این شماره عمدتاً مربوط به عملیات کومه و حزب دکرات می‌باشد.

مراسم تسلیع رفقای پیشمرگ دومین دوره آموزشی آمورشگاه شهید مسعود رحمتی

در تاریخ ۲۲/۴/۶۲ دومین دوره آموزشی پایگاه شهید مسعود رحمتی، دوره شهید علی نوری طی مراسم باشکوهی در حضور مردم زحمتکش یکی از روستاهای آزاد شده کردستان سلح و سه صف پیشمرگان رزمند فدائی پیوستند. در این مراسم که چند ساعت بطول انجامید نخست به پاس احترام به شهدای بخون خفته خلل، شهدای راه رهایی و سوسیالیسم یک دقیقه سکوت اعلام شد.

سپس رفیق فرمانده نظامی شاخه سخنانی در رابطه با آموزش ضرورت این امر ایراد نمود، در سخنان رفیق به کیفیت جدید جنبش ملی دکراتیک خلق کرد و ضرورت سلح شدن مغزها و دستپاچه شدن شخصه هر پیشمرگ فدائی برای وارد آوردن ضربات هرچه شدیدتر بر پیکر لزان رژیم فدائقلابی جمهوری اسلامی اشاره نمود.

در وقت دیگر برنامه، نماینده پیشمرگان قدیمی سازمان ضمن اظهار خوشحالی از پیوستن دسته جدیدی از رفقا به صفوف پیشمرگان سخنانی در رابطه با وضعیت فعلی جنبش موقعیت رژیم، وظیفه نیروها و مردم ایراد نمود. رفیق همچنین سیاست جنگی در مقطع کنونی یعنی "دفاع استراتژیک و تعرض تاکتیکی پشت جبهه های دشمن" اشاره کرد. و همچنین بر ضرورت اتحاد عمل نیروهای انقلابی و هرچه بیشتر سلح شدن توده های زحمتکش انگشت گذاشت.

سپس رفقای آموزشی که با موفقیت دوره را به پایان رساند، بقیه در صفحه ۱۳

مردان - پیشمرگان جاده مهاباد ارومیه را بدت ۴ ساعت زیر کنترل خود گرفته و برای مسافران تبلیغ کردند در همین عملیات دوتانکر حامل ۲۰ هزار لیتر نفت را محاذره کردند و بین روستاهای اطراف بخش کردند.

پنجم مردان - پیشمرگان جاده اصلی سنندج - کامیاران را با وجود حضور تعداد زیادی پاسدار در طول جاده بدت ۲ ساعت تحت کنترل گرفته و طی این عملیات یک ماشین استانداری را محاذره و یک ماشین سمیرغ ضعلق به رژیم را با تمام سرشنیانش از زمین بردند همچنین در این دو ساعت برای مسافری صحبت کرده و اهداف خود را تبلیغ کردند.

هفتم مردان - چند دسته از پیشمرگان در جبهه های بوکان - سقز، دیواندره با ارتش سپاه بدت ۱۲ ساعت میجنگند که در این نبرد موفق به کشتن ۱۰۰ نفر از افراد دشمن میشوند، ۸ خودرود دشمن در این عملیات منهدم شد و ۱۰ جسد مزدوران بدست پیشمرگان افتاد که جسد فرمانده سپاه پاسداران بنام عبدالله امامی در میان آنها بود و یک پاسدار نیز به اسارت پیشمرگان درآمد پس از ۲ ساعت نبرد قهرمانانه پیشمرگان موفق میشوند نیروهای دشمن را وادار به عقب نشینی کنند. در این عملیات ۶ پیشمرگه حزب دکرات شهید و ۷ تن زخمی میشوند.

هفتم مردان - پیشمرگان طبق طبق برنامه ریزی دقیق ساعت ۷ بعد از ظهر داخل شهر اشنویه شده با یک حمله ضربتی کلیه مراکز مهم شهر از جمله مساجد روابط عمومی سپاه، قرارگاه حمزه بدخانیات و شهرستانی را که جایگاه جانشهای قباده موقت است پس از یک درگیری شدید تحت کنترل خود بقیه در صفحه ۸

یکسال از شهادت رفیق فدائیکار، روحش شجاعت و پایداری و ایمان به راهائی کارگران و زحمتکشان، و مبارز راه آزادی، دکراسی و سوسیالیسم، و پیشمرگ فدائی، که در نبرد قهرمانانه با علوجبه و بگده گندی در روزهای ۳۰ مرداد و ۳ شهریور سال گذشته حماسه آفریدند و به شهادت رسیدند، سپری شد.

یادرفقا

جواد کاشی، انور اعظمی را با تداوم مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق گرامی داریم.

جاودان باد خاطره فدائی شهید رفیق انور اعظمی

یکسال پیش در روز ۳۱/۵/۶۱ رفیق فدائی انور اعظمی یکی دیگر از رزمندگان رفقای سازمان خون خویس راوشیقه راه راهائی کارگران و زحمتکشان نمود و با شهادت خود برگ زمین دیگری بر تاریخ خونبار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و جنبش انقلابی خلق کرد افزود.

فدائی شهید رفیق انور اعظمی فرزند راستین خلق کرد و یکی از بهترین رفقای سازمان بود که بیش از شش سال از حییات بر افتخارش را وقف امر طبقه کارگر نمود. و شوق بی پایان نسبت بقیه در صفحه ۱۳

جاودان باد خاطره فدائی شهید رفیق جواد کاشی

یکسال از شهادت یکی از پاکترین شریفترین فرزندان خلق گذشت، روز مرداد سال گذشته، هوش جیبا و لکران سرکوبگران خلق کرد به روستاهای اطراف بوکان باحاناباز می‌آورد لاویهای پیشمرگان قهرمان فدائی - آنچنان ناکام ماند که دشمن هنوز از فراموش کردن این حماسه بازمانده است.

فدائی شهید، پیشمرگ قهرمان، رفیق جاودا کاشی که در این نبرد قهرمانانه به شهادت رسید، یکی از خستگی ناپذیرترین و وفادارترین کسانی بود که به آرمان کارگران و زحمتکشان عشق می‌ورزند، او که خشم نفرت عمیق خود را به امپریالیسم و یاری از بارها و بارها بقیه در صفحه ۱۳